

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیام‌های آسمان

سال دوم

دوره راهنمایی تحصیلی

مرحله دوم تعلیمات عمومی

تعلیم و تربیت اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی
نام کتاب: پیام‌های آسمان - ۱۱۹

شورای برنامه‌ریزی و تألیف: پرویز آزادی، دکتر محمد مهدی اعتصامی، یونس باقری، حجت‌الاسلام
سید جواد بهشتی، ابوذر رضا سلطانی، دکتر محمد رضا سنگری، حجت‌الاسلام دکتر حسین سوزنچی،
مصطفی فیض، حجت‌الاسلام محمود متوسل آرانی

حجت‌الاسلام سیدصادق پیش‌نمازی و حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین تقوی (از معاونت تبلیغ و
آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم)
مؤلف: حجت‌الاسلام علی کاظمی

ویراستار: محمد کاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک: مهدی نقوی

تصویرگران: سعید صفارنژاد، حسین آسیوند و صادق صندوقی

عکاس: محسن قائمی، امیر حسامی نژاد

طراح جلد: امیر نساجی

صفحه‌آرا: مصطفی برجی

حروفچین: فاطمه باقری مهر

مصحح: زهرا رشیدی‌مقدم، فاطمه سادات قوامی

امور آماده‌سازی خبر: سپیده ملک‌ایزیدی

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

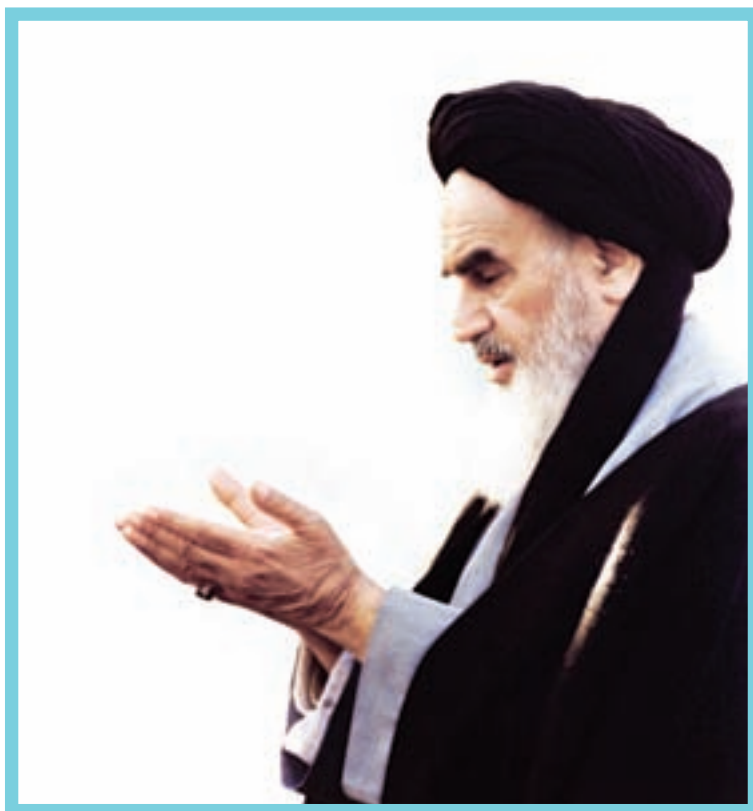
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ - ۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار: ۱۳۹۱

حقوق چاپ محفوظ است.



یکی از نزدیکان امام:

امام خمینی (ره) به نماز اول وقت خیلی اهمیت می‌دادند. روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کردند که «اگر کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتشان محروم می‌شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنا باشد که شخص، نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت نخواند.» گفتند: نه، این خلاف شرع است. منظور امام صادق علیه‌السلام این بوده است که وقتی ظهر می‌شود و فرد در اول وقت نماز نمی‌خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان^۱ داده است.

فهرست

فصل اوّل: خداشناسی

۳	درس اوّل	شگفتی‌های خلقت
۱۱	درس دوم	دو سرمایه گرانبها
۱۹	درس سوم	استعانت از خداوند

فصل دوم: راه و توشه

۳۱	درس چهارم	دین؛ گنج بی پایان
۳۹	درس پنجم	نردبان آسمان
۴۷	درس ششم	یک فرصت طلایی

فصل سوم: معاد

۵۷	درس هفتم	تلخ یا شیرین
۶۵	درس هشتم	راه سعادت مندی

فصل چهارم: راهنماشناسی

۷۵	درس نهم	زیارت اولیای خدا
۸۳	درس دهم	خورشید پنهان

فصل پنجم: اخلاق

۹۳	درس یازدهم	شاخه‌ای از درخت بهشتی
۹۹	درس دوازدهم	عادت‌ها و آسیب‌ها
۱۰۷	درس سیزدهم	ارزش کار

فصل ششم: جامعه اسلامی

۱۱۷	درس چهاردهم	حقّ الناس
۱۲۷	درس پانزدهم	نشان عزت
۱۳۵	درس شانزدهم	مسئولیت همگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

دبیران محترم دینی؛ سلام

به شما تبریک می‌گوییم که توفیق یافتید تا مسئولیت ارزشمند هدایت نسل‌های آینده را — که همان رسالت انبیاء است — به عهده بگیرید. بی‌شک انجام مخلصانه این مسئولیت، رسالتی است که هیچ میزانی در دنیا قابلیت سنجش آن را ندارد و پاداش آن در عالم طبیعت قابل پرداخت نیست.

هیچ جایگاهی در جامعه به این درجه نمی‌رسد؛ چرا که در دنیا هیچ موجودی به‌شأن انسان نمی‌رسد و انسان امانت در دست معلم است. نقش معلم خارج کردن انسان‌ها از ظلمت‌های گمراهی به نور هدایت و صراط مستقیم است. معلم کسی است که اولین نگارش‌های نیک یا بد را می‌تواند بر لوح سفید آماده اذهان دانش‌آموزان بنگارند و این چنین دست توانای معلم، چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند. معلم می‌تواند جامعه را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم یا گریزان از علم، متقی و پاکدامن یا بی‌بندوبار بسازد؛ بنابراین اگر قرار باشد جامعه اصلاح شود، این اصلاح باید از مدرسه آغاز شود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید بیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند»^۱. تمامی رفتارهای معلم در کلاس؛ نگاه، اشاره، لبخند، اخم کردن، لباس پوشیدنش و ... بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد و هر فردی در زندگی خود عمیق‌ترین احساسات و عواطف را از معلمش دریافت می‌کند. بنابراین شایسته است این فرمایش پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین علیه‌السلام همواره آویزه گوشمان باشد که «ای علی! اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است»^۲.

۱- وسائل الشیعه ج ۱۶، ص ۱۵۰.

۲- کافی ج ۵، ص ۲۸؛ المستدرک علی الصحیحین: ۶۵۳۷/۶۹۱/۳.

همکاران گرامی

کتابی که پیش روی شما معلم گرامی قرار دارد حاصل زحمات چندین ساله کارشناسان متعدد در حوزه‌های مختلف دینی و تربیتی است که با نظرات شما دبیران گرامی به ثمر رسیده است و امید می‌رود باز هم با تلاش‌های بی‌دریغ شما، در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان میهن اسلامی‌مان، ایران عزیز، بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

همانگونه که مستحضرید کتاب «پیام‌های آسمان»، علاوه بر تغییر در محتوا و سبک نگارش، حاوی رویکردهای نوین تربیتی — آموزشی است. بدیهی است دستیابی به اهداف این کتاب در گرو توجه شما همکار محترم به این رویکردها در مراحل تدریس است.

جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم کردن آنها در مراحل تدریس از مهم‌ترین رویکردهای کتاب است. بر این اساس بهترین روش تدریس این کتاب، روش تدریس فعال است که در آن دست کم بیست دقیقه از زمان هر جلسه تدریس به مشارکت دانش‌آموز در مباحث و ایراد نظرات وی اختصاص می‌یابد. شایسته است دبیران محترم در این زمانه صرفاً به جهت‌دهی مناسب و اصلاح خطاهای احتمالی دانش‌آموزان در طرح نظرات بپردازند. گروه‌بندی دانش‌آموزان کلاس، اختصاص دادن زمان مناسب به پرسش‌های آنان و ایجاد فرصت گفتگو بین دانش‌آموزان و داوری درباره نظرات یکدیگر از ملزومات این روش است.

محدود ساختن روش‌های تدریس به روش سخنرانی و تبدیل دانش‌آموز به یک شنونده صرف، در تعارض با اهداف تربیت دینی است و به آفت بزرگ حافظه محوری در دانش‌آموز منجر خواهد شد.

کتاب حاضر بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته از کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی» سابق و شیوه‌نامه ارزشیابی آن، در قالب و رویکردی جدید تألیف شده و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد که در اینجا مهم‌ترین بندهای شیوه‌نامه ارزشیابی که برگرفته از «**راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی**» است، ارائه می‌شود و تفصیل یافته این مباحث در راهنمای مذکور قرار دارد:

مبانی شیوه‌نامه ارزشیابی

یکی از ارکان مهم برنامه‌ریزی درسی و فرایند یادگیری، ارزشیابی است که به دو منظور انجام می‌گیرد:

۱- تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی و یادگیری.

۲- تثبیت و تحکیم آموخته‌ها.

بنابراین ارزشیابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل مختلف آن حضور دارد و معلم و دانش‌آموز به‌طور مرتب با آن در ارتباطند. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند. تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند:

۱- شناختی عقلانی از مبانی، معارف و وظایف دینی.

۲- ایمان به آن مبانی، معارف و وظایف، و ...

۳- عمل به وظایف و مسئولیت‌ها.

این سه هدف، گرچه نوعی تقدم و تأخر دارند اما در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در میان این سه هدف، فعالیت‌هایی که مربوط به هدف رفتاری و عمل صالح است، نمی‌تواند در دایره ارزشیابی قرار گیرد. اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها، و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آنها دعوت شوند؛ بنابراین، ارزشیابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

۱- ارزشیابی از فعالیت‌های رشددهنده تفکر و تعقل.

۲- ارزشیابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده ایمان و احساس دینی.

ارزشیابی درس تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» و «ارزشیابی پایانی» انجام می‌گیرد و نمره نهایی از مجموع نمرات این دو ارزشیابی به‌دست می‌آید.

در ارزشیابی تکوینی باید بیشتر به مهارت‌ها توجه شود و جنبه کیفی و توصیفی داشته باشد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگه ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ابزار کمی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی دارای آزمون کتبی است. در این آزمون میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید توزیع متناسبی از سطوح یادگیری را دربرگیرد و به سطوح بالاتر توجه بیشتری کند. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه شود.

شیوه اجرای ارزشیابی

- ۱- ارزشیابی تکوینی (اعم از کتبی و شفاهی) دوازده نمره دارد و ارزشیابی کتبی پایانی هشت نمره دارد.
- ۲- ارزشیابی پایانی نوبت اول از مطالب تدریس شده همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم از تمام محتوای کتاب به عمل می‌آید.
- ۳- بارم بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (۱۲ نمره) به شرح زیر است:
 - الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب: ۴ نمره
 - ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب: ۳ نمره
 - ج) پاسخ به پرسش‌های پایانی هر درس: ۳ نمره
 - د) فعال بودن و مشارکت در فرآیند تدریس: ۲ نمره
- ۴- نمره پایانی هر نوبت عبارت است از مجموع نمرات ارزشیابی تکوینی (۱۲ نمره) و ارزشیابی پایانی (۸ نمره) آن نوبت.
- ۵- درج نمره نهایی ارزشیابی درس «پیام‌های آسمان» در کارنامه تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند به دو صورت ذیل انجام می‌گیرد:

الف) تبدیل هر کدام از نمره‌های ارزشیابی مستمر (۱۲) و ارزشیابی پایانی (۸) به بیست نمره با نسبت‌گیری، و درج آنها در ستون‌های مربوطه، و یا

ب) جمع کردن نمره ارزشیابی مستمر (۱۲) با نمره ارزشیابی پایانی (۸) و درج مجموع نمره در هر دو ستون ارزشیابی مستمر و پایانی.

۶- در کلیه ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نمی‌شود.

۷- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمه آنها برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

۸- مطالب بخش «**فعالیت کلاسی**» به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند تدریس است و می‌تواند نقش مهمی در ارزشیابی‌های دانش‌آموز داشته باشد.

۹- بخش «**بیشتر بدانیم**» هر درس فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است. دبیر محترم می‌تواند برای توضیح درس از آنها استفاده نماید و یا نمره تشویقی برای این بخش در نظر بگیرد اما نباید در ارزشیابی تکوینی یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۱۰- بخش «**پیشنهاد**» درس‌ها، دانش‌آموز را در رسیدن به اهداف موردنظر درس یاری می‌کند. انجام این بخش و سایر فعالیت‌هایی که از سوی معلم یا دانش‌آموز پیشنهاد می‌شود، کاملاً اختیاری است و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر دوازده نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش‌آموز خواهد بود و نمی‌تواند به نمره ارزشیابی پایانی اضافه شود.

۱۱- بخش «**الهی**» در هر درس برای جمع‌بندی در انتهای برخی دروس قرار گرفته است که در ارزشیابی تکوینی و پایانی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

دانش آموزان گرامی، سلام

آفرین بر شما که توانستید با تلاش و کوشش خود، سال تحصیلی گذشته را با موفقیت پشت سر بگذارید و به مرحله جدیدی از زندگی تحصیلی تان وارد شوید.

خداوند بزرگ را برای این موفقیت سپاسگزاریم.

خداوند مهربان، بهشت زیبایش را برای تو آفریده است. برای تو و هر کس دیگری که آن را دوست دارد و برای رسیدن به آن تلاش کند. او تمام موجودات را برای خوشبختی و سعادت انسان آفریده است و آنها را در مسیر هدایت و کمال وی قرار داده تا بتواند در دنیا و آخرت خوشبخت باشد و راه سعادت را که پایان آن، بهشت زیبای اوست بییابد. این کتاب تلاش می کند تا به چند سؤال مهم شما پاسخ بدهد:

■ از کجا آمده‌ام؟

■ به کجا خواهیم رفت؟

■ راه درست را از چه کسی باید بپرسم؟

■ چه کسانی مرا در این راه، همراهی می کنند؟

■ برای این که سالم به مقصد برسیم، چه توشه‌ای باید همراه خود ببرم؟ امیدواریم که بتوانید این مراحل را نیز مانند مراحل قبلی با سربلندی پشت سر بگذارید و با عمل به آنچه فرامی گیرید، هر لحظه به مقصد زیبایی که در پیش رو دارید نزدیک و نزدیک تر شوید.

سعی کنید درس‌ها را خوب بیاموزید. به آموخته‌های خود فکر کنید و درباره آنها با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید. اگر پیشنهادی داشتید، حتماً آن را بازگو کنید. بدانید که خداوند به شما نیرویی داده است که اگر خودتان بخواهید، می‌توانید از پس هر کاری برآیید، پس از او یاری بخواهید و تلاش را آغاز کنید. تلاش برای موفقیتی دیگر ...

خداشناسی

فصل اوّل

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: شگفتی‌های خلقت، دو سرمایه‌گرانبها و استعانت از خداوند.

درس اوّل (شگفتی‌های خلقت) با بررسی نظم و هماهنگی موجود در جهان خلقت و بدن انسان، به تبیین علم و حکمت خداوند می‌پردازد و به هدف خداوند از این آفرینش اشاره می‌کند.



درس دوم (دو سرمایه‌گرانبها) دو نعمت ارزشمند «فرصت زندگی و قدرت تفکر» در انسان و تأثیر این دو نعمت را در رسیدن به خوشبختی ابدی تبیین می‌کند.



درس سوم (استعانت از خداوند) ضمن تأکید بر اینکه فقط خداوند می‌تواند به دیگران یاری رساند، به بررسی کارهایی می‌پردازد که می‌توانند باعث جلب یاری بیشتر خداوند شوند.





شگفتی‌های خلقت

اگر هنگام تمیز کردن شیشه ساعت کسی از ما بپرسد: «ساعت چند است؟». ما معمولاً در چنین حالتی دوباره به ساعت نگاه می‌کنیم و سپس جواب می‌دهیم. می‌دانید چرا؟



نگاه ما به پدیده‌های اطرافمان معمولاً نگاهی سریع و گذراست و به همین دلیل در نگاه اول، بسیاری از جزئیات از چشم ما پوشیده می‌ماند. شگفتی‌های جهان آفرینش - که بسیاری از آنها در وجود خود ما انسان‌ها قرار دارد - بخشی از دیدنی‌های این جهان زیباست که ما معمولاً بی‌توجه از کنار آنها عبور می‌کنیم. کافی است دست کم برای یک روز نگاهمان را به جهان تغییر دهیم تا برای اولین بار به برخی شگفتی‌ها پی ببریم.

بی نظیر

حمید با آب و تاب دربارهٔ نمایشگاهی که دیروز با دایبی‌اش به آنجا رفته بود صحبت می‌کرد: «چهارها باورتان نمی‌شود! یک دوربین فیلمبرداری بزرگ دیدم که زیرش چرخ گذاشته بودند. می‌گفتند بدون چرخ و سه پایهٔ مخصوص نمی‌شود آن را حرکت داد. سه پایه‌اش را که نگو! از خود دوربین هم سنگین‌تر بود. یک دوربین دیگر بود که می‌گفتند بدون فیلم، چند ساعت فیلمبرداری می‌کند! لنزهای عجیب و غریبی داشت که می‌گفتند اگر اینها نباشد؛ نمی‌شود با نور کم (مثل غروب) فیلمبرداری کرد. جعبه‌های بزرگ برای محافظت از دوربین‌ها، مایع‌های مخصوص برای شست‌وشوی لنزها، وسایلی که با آنها جلوی نور شدید را می‌گرفتند تا دوربین و فیلم‌ها را خراب نکند، باتری‌های شارژی بزرگ که دوربین تا چند ساعت می‌تواند بدون اینکه به برق وصل شود، به کمک آنها فیلمبرداری کند، نورافکن‌های خیلی بزرگ برای فیلمبرداری در جاهای کم‌نور ...»

با دایبی‌ام نزد مسئول دوربین‌ها رفتیم و گفتیم: آیا ممکن است پیشرفته‌ترین دوربین نمایشگاه را به ما نشان بدهید؟ گفت: شما چطور متوجه پیشرفته‌ترین و عجیب‌ترین دوربین دنیا نشدید؟! این دوربین بسیار سبک و زیباست و به راحتی حرکت می‌کند. تازه بدون اینکه احتیاج به فیلم داشته باشد تا ده‌ها سال می‌تواند بدون کم‌ترین مشکلی فیلمبرداری کند. اگر کمی گرد و غبار داخلش شود، خود به خود به کار افتاده و خودش را شست‌وشو می‌دهد. حتی گاهی اوقات که



دچار مشکلی می‌شود، به صورت طبیعی خودش را تعمیر و تنظیم می‌کند. در نور شدید لنزش بسته می‌شود و در نور کم به صورت خودکار لنزش باز می‌شود. وقتی هم که صاحبش نخواهد از آن استفاده کند، خود به خود خاموش و بسته می‌شود ...

من با خوشحالی گفتم: اگر ممکن است زودتر این دوربین بی‌نظیر را به ما نشان دهید. گفت: کافی است یک بار با دقت در آینه نگاه کنی تا بهترین دوربین دنیا را ببینی!»



تا حالا به آفرینش چشم‌های خود دقت کرده‌اید؟

خداوند حکیم، چشم‌ها را داخل گودی صورت قرار داده است تا با استخوان‌های گونه، پیشانی و بینی از آنها محافظت کند. اگر این حصار استخوانی اطراف چشم را نگرفته بود، هر ضربه‌ای به طرف چشم می‌توانست انسان را برای همیشه از نعمت بینایی محروم کند. به ابروهایتان نگاه کنید. این موهای کوتاه که زیبایی بخش صورت شما هستند، علاوه بر اینکه مانند سایبان از تابش شدید نور به چشم جلوگیری می‌کنند، نمی‌گذارند عرق پیشانی نیز وارد چشم‌ها شود.

حالا تصور کنید؛ اگر چشم‌ها داخل گودی قرار نداشتند، اگر ابروها نبودند؛ اگر مژه‌ها هر لحظه از ورود گرد و غبار به چشم جلوگیری نمی‌کردند؛ اگر پلک‌ها باز و بسته نمی‌شدند؛ اگر شکل چشم‌ها بادامی نبود و اشک از آن خارج نمی‌شد و ... چه اتفاقی می‌افتاد؟ این همه شگفتی باعث شده است که دانشمندان و مخترعان بزرگ، با الگو گرفتن از این مخلوق خداوند، موفق به ساخت دوربین‌ها، میکروسکوپ‌ها و تلسکوپ‌های دقیق شوند. حالا خودتان قضاوت کنید؛ آیا این عضو کوچک به‌تنهایی نشان‌دهنده عظمت و حکمت آفریدگار نیست؟

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام درباره آفرینش انسان می‌فرماید:

از [خلقت] این انسان باید تعجب کرد که با تکه‌ای چربی نگاه می‌کند، با پاره‌ای گوشت سخن می‌گوید و با چند استخوان [ریز] می‌شنود.^۱



۱- آنچه درباره آن سخن گفتیم تنها یک نمونه از شگفتی‌های بی‌پایان دنیای ماست. شما هم با دوستانتان گفت‌وگو کنید و نمونه‌های دیگری از این شگفتی‌ها را نام ببرید.
۲- از مشاهده نظم، حکمت و شگفتی‌های بی‌پایان در جهان آفرینش چه می‌فهمیم؟

هدف آفرینش

کمی فکر کنید؛ آیا ممکن است خداوند دانا و حکیم این جهان زیبا و شگفت‌انگیز را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد؟

به نظر شما هدف از آفرینش این جهان شگفت‌انگیز چیست؟
امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در پاسخ این سؤال می‌فرماید:

خداوند تمام آنچه را که در زمین است برای شما آفریده است تا درباره آنها بیندیشید و با استفاده از آنها به بهشت راه یابید و خودتان را از عذاب دوزخ برهانید.^۱

خداوند مهربان که بهتر از هر کسی نیازهای ما را می‌داند، این جهان را طوری آفریده است که ما بتوانیم به بهترین شکل در آن زندگی کنیم. او به ما چشم داده است تا با دقت به نشانه‌های علم و قدرتش نگاه کنیم، و به ما عقل داده است تا درباره آنچه می‌بینیم فکر کنیم و از دنیای پیرامون خود درس خداشناسی بیاموزیم.

او ما را غرق در نعمت‌ها و زیبایی‌هایش کرده است تا بدانیم چقدر ما را دوست دارد، پس ما نیز او را دوست بداریم و از او اطاعت کنیم. این همان راهی است که نتیجه‌اش رسیدن به بهشت زیبای خداست.

حالا به نظر شما، خداوند مهربانی که زمین را با همه شگفتی‌هایش برای ما آفریده است، آیا ممکن است ما را فراموش کند و در سختی‌ها و نیازها تنهائیمان بگذارد؟

۱- عیون اخبارالرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۲.



۱- می‌توانید یکی از دستگاه‌های بدن را نام ببرید که اگر نباشد هیچ اشکالی در کارهای بدن پیش نیاید؟ از این موضوع چه می‌فهمیم؟
 ۲- با توجه به سخن حضرت علی علیه‌السلام توضیح دهید که دلیل آفرینش شگفتی‌های بی‌پایان در آسمان و زمین چیست؟

پیشنهاد



متن زیر را با دقت بخوانید:

... به بدن کوچک مورچه بنگرید! خلقتش آن چنان لطیف است که چشم آن را در نمی‌یابد و عقل آن را درک نمی‌کند، ببینید چگونه روی زمین به راه می‌افتد و برای به‌دست آوردن روزی خود، تلاش می‌کند و دانه‌هایی را که به لانه‌اش می‌برد در جایگاهی مخصوص نگه می‌دارد.

خداوند نیکوکار هرگز از او غافل نمی‌شود و از بخشش محرومش نمی‌سازد، حتی اگر در دل سنگی سخت و یا صخره‌ای خشک به‌سرد برد.

اگر درباره‌ی دستگاه گوارش و غضروف‌های درون شکمش فکر کنی و یا به چشم و گوشی که در سر دارد اندیشه کنی آن چنان از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد که از توصیف او به زحمت خواهی افتاد.

اگر اندیشه‌ات را به کارگیری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه‌ی کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست. همان کسی که آفریدن همه‌ی موجودات سنگین و سبک، و بزرگ و کوچک، و نیرومند و ضعیف برایش یکسان است.^۱



آنچه خواندیم بخشی از گفتار امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در توصیف شگفتی‌های خلقت مورچه‌هاست. شما نیز می‌توانید درباره‌ی یکی از آفریده‌های خداوند (مانند مورچه یا زنبور عسل) تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۵.



تا حالا یک زره را از نزدیک دیده‌ای؟ می‌دانی زره‌ها را از چه می‌سازند؟ فکر می‌کنی بزرگ‌ترین زره دنیا چه قدر ضخامت دارد؟ ۱۰ سانتی‌متر؟ نیم‌متر؟ ۱ متر؟ ضخیم‌ترین زره دنیا، جو زمین است که صدهزار متر ضخامت دارد. این زره که از جنسی بسیار لطیف (هوا) تشکیل شده است آن چنان

محکم و نفوذناپذیر است که هر موجود مهاجمی را قبل از رسیدن به زمین نابود می‌کند. شهاب‌سنگ‌ها گروهی از این مهاجمان هستند که با سرعت اعجاب‌آور پنجاه کیلومتر در ثانیه (یعنی صدبرابر سرعت گلوله) در فضا حرکت می‌کنند. به گفته دانشمندان، این سرعت باعث می‌شود که در یک سنگ بسیار کوچک آسمانی، نیرویی معادل انرژی یک بمب اتمی نهفته گردد. برای همین است که آنها با هر جسمی برخورد کنند، انرژی فوق‌العاده‌ای را آزاد می‌کنند و منفجر می‌شوند.

اهمیت جو زمین وقتی برای ما معلوم می‌شود که بدانیم در هر شبانه‌روز، میلیون‌ها شهاب‌سنگ با جو زمین برخورد می‌کنند و قبل از رسیدن به سطح زمین منفجر و به گاز و بخار تبدیل می‌شوند.

این تنها بخشی از مأموریت زره دفاعی زمین است. اتمسفر (یا جو زمین) علاوه بر سنگ‌های آسمانی، اشعه‌های مرگبار کیهانی، اشعه مادون قرمز و جریان‌های مغناطیسی شدید فضایی را نیز قبل از رسیدن به زمین خنثی می‌کند و خطرهای بزرگ دیگری را از ساکنان زمین دور می‌کند. می‌توانی حدس بزنی اگر این زره مقاوم، زمین را نپوشانده بود، چه اتفاقی در انتظار ساکنین زمین بود؟

حالا بهتر می‌توانیم معنی این کلمات نورانی خداوند را دریابیم که می‌فرماید:

و آسمان را سقفی نگاهدارنده قرار دادیم،
ولی آنها از نشانه‌های او رویگردانند.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا
وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ^۱ ۲

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۰۰. (برای اطلاع بیشتر درباره اتمسفر زمین می‌توانید به سایت دانشنامه فضایی ایران در «www.isair» مراجعه کنید.)

الهی

خداوند،

تو را ساس که مرابه دنیا آوردی؛
و از شیر گوارا غذایم دادی؛
و دل مادران را با من مهربان کردی؛
و آن زمان که در کمواره، طفلی ضعیف بودم؛ از من محافظت کردی؛
و هر سال که از من گذشت، بر رشد من افزودی؛
و از خوراک و پوشاک کوناگون بهره مندم ساختی؛
و آن زمان که رشدا نفتم، پاسگزاری را به من آموختی؛
و معرفت خودت را بر دلم الهام کردی؛
و پذیرش گفتار پیامبران را بر من آسان ساختی.

الهی،

چگونه نعمت یات را بشمارم، و بخشش یات را پاس گویم،
در حالی که نعمت یات، بیش از آن اندک به شمارش درآیند!

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت
سخن بگو).

.....
.....

۱- بخشی از دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه





دو سرمایه‌گرانبها

اعداد زیر را یک بار بخوانید:

۱۰۰۱

۱۰۰۲

۱۰۰۳

۱۰۰۴

۱۰۰۵

پنج ثانیه گذشت!

تا حالا به حرکت ابرها توجه کرده‌اید؟

ابرها با سرعت زیاد توسط باد جابه‌جا می‌شوند، ولی ما معمولاً متوجه سرعت حرکت آنها نمی‌شویم. چه چیزهای دیگری را می‌شناسید که گذشتن آنها مانند حرکت ابرها باشد؟



... سوت شروع مسابقه به صدا درمی آید و بازی آغاز می شود!
در تیم اول هر کدام از بازیکنان وظیفه خود را می شناسند و آماده اند با شروع بازی، دستورات مربیان خود را مو به مو در زمین اجرا کنند. برنامه آنها برای پیروز شدن در مسابقه این است که از همان دقیقه اول، با تمام قدرت بازی کنند و هیچ فرصتی را از دست ندهند.
اما در تیم دوم، بازیکنان هنوز بازی را جدی نگرفته اند و تلاش چندانی از خود نشان نمی دهند.
آنها با خودشان می گویند: حالا ۹۰ دقیقه وقت داریم...

شما نتیجه بازی را چگونه پیش بینی می کنید؟
تصور کنید وقتی سوت پایان بازی به صدا درمی آید، بازیکنان تیم دوم که فرصت های خود را از دست داده اند، همه دور داور جمع شوند و بگویند: ما اصلاً حواسمان به زمان بازی نبود و نفهمیدیم چطور مسابقه تمام شد. چند دقیقه دیگر به ما فرصت بدهید تا موقعیت های از دست رفته را جبران کنیم. دوباره سوت بزنید تا مسابقه را ادامه دهیم...!





به نظر شما

- ۱- داور مسابقه چه پاسخی به این درخواست خواهد داد؟
- ۲- زندگی ما در دنیا، چه شباهت‌هایی با یک مسابقه فوتبال دارد؟
- ۳- تفاوت‌های این دو چیست؟

فرصت عمر

خداوند دربارهٔ کسانی که قدر عمر خود را نمی‌دانند و فرصت‌های زندگی را بی‌دلیل از دست می‌دهند و با دست خالی از این دنیا می‌روند می‌فرماید:

<p>تا اینکه مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد، می‌گوید پروردگارا! مرا [به دنیا] برگردان تا اعمال صالحی را که ترک کرده بودم، انجام دهم! هرگز [چنین بازگشتی در کار نیست] این سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر باز گردد، کارش همچون گذشته خواهد بود]!</p>	<p>حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا^۱</p>
--	--

به راستی کسی که می‌داند نعمت‌های بهشت پاداش کارهای نیک او در این دنیا است، از فرصتی که در اختیار دارد چگونه استفاده می‌کند؟
راستی اصلاً کسی می‌داند تا چه زمانی برای جمع‌آوری توشه در این دنیا وقت دارد؟
حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

فرصت‌ها مانند ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های خوب را غنیمت شمیرید.^۲

۱- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰.

۲- نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۲.



در هر یک از موارد زیر رفتار کسی که فرصت‌های زندگی خود را از دست می‌دهد را با رفتار انسان دوران‌دیش مقایسه کنید. وقتی ...

۱- فرد دوران‌دیش.....	برادر کوچکش از او می‌خواهد سوره کوچکی از قرآن را به او بیاموزد.
۲- فرد بی‌توجه.....	
۱-	معلم در کلاس مشغول توضیح دادن درس است.
۲-	
۱-	صدای اذان را می‌شنود.
۲-	
۱-	می‌داند برنامه مورد علاقه‌اش چه ساعتی از تلویزیون پخش می‌شود.
۲-	
۱-	تا زمان امتحانات، یک ماه بیشتر باقی نمانده است.
۲-	

پس اولین سرمایه ما برای خوشبختی در دنیا و آخرت همین فرصت زندگی است که اگر کسی از آن محروم شود، از نعمت‌های دیگر نیز نمی‌تواند هیچ استفاده‌ای کند. آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟

اگر کمی فکر کنیم می‌بینیم که انسان‌های بدکار و حتی حیوانات نیز از نعمت عمر برخوردارند و مدتی در دنیا زندگی می‌کنند. آیا آنها نیز می‌توانند مانند نیکوکاران به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت برسند؟

علت چیست؟



یکی از تفاوت‌های انسان با حیوانات و گیاهان، قدرت تفکر و اندیشیدن است. ما انسان‌ها می‌توانیم با استفاده از این نعمت ارزشمند، علاوه بر خوشبختی در دنیا به راه‌های

پیشرفت خود در زندگی خوب بیندیشیم و با کمک پیامبران الهی بهترین راه را برای سعادت خود انتخاب کنیم.

تفکر در آیات^۱ الهی آن چنان اهمیتی دارد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم آن را از بسیاری عبادت‌های دیگر بالاتر دانسته و می‌فرماید:^۲

ساعتی تفکر در نشانه‌های خداوند، از ساعت‌های طولانی عبادت کردن برتر است.^۳

البته متأسفانه در میان انسان‌ها کسانی هستند که توانایی اندیشیدن دارند، ولی از این نعمت خداوند استفاده نمی‌کنند. چشم دارند، ولی از آنچه می‌بینند عبرت نمی‌گیرند، گوش دارند، ولی برای شنیدن دستورات خداوند از آن استفاده نمی‌کنند.

خداوند، این گروه از انسان‌ها را که دل‌هایشان کر و لال است، از چهارپایان هم گمراه‌تر دانسته^۴ و آنها را بدترین موجودات^۵ معرفی می‌کند.

به نظر شما علت این همه تأکید و سفارش دین اسلام به فکر کردن چیست؟
آیا انتخاب راهی درست برای زندگی بدون اندیشیدن امکان‌پذیر است؟

خودت را امتحان کن

۱- بین حرکت ابرها و گذشتن زمان چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

۲- آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت

کافی است؟ توضیح دهید.

۳- خداوند حکیم چه کسانی را از چهارپایان نیز گمراه‌تر معرفی

می‌کند؟ چرا؟

۱- آیات: نشانه‌ها

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۴.

۳- البته فراموش نکنیم که در دین اسلام هیچ عملی نمی‌تواند جایگزین عبادت‌های واجب مانند نمازهای روزانه شود.

۴- سوره فرقان، آیه ۴۴.

۵- سوره انفال، آیه ۲۲.



راهی برای بهتر فهمیدن

در طول تاریخ، متفکران با ایمان که قدرت فکر و اندیشه را هدیه‌ای از طرف پروردگار مهربان می‌دانستند، برای رشد و حفظ این نعمت ارزشمند دعا می‌کردند و در مناجات‌های خود همواره از خداوند می‌خواستند برای درست فکر کردن و درست فهمیدن مسائل آنان را یاری کند.

ابن‌سینا فیلسوف و دانشمند بی‌مانند ایرانی می‌گوید:

«هرگاه پس از اندیشیدن طولانی در حل مسائل پیچیده فلسفی در می‌ماندم و همه درها به رویم بسته می‌شد، به مسجد جامع می‌رفتم و دو رکعت نماز می‌خواندم و از خداوند می‌خواستم که مرا در تفکر و حل مسائل یاری کند و بدین صورت بسیاری از مشکلات علمی خود را با استعانت از خداوند بزرگ حل می‌کردم.»



الهی

ای خالق مهربان، تو را سپاس؛
سپاس که به من زندگی دادی؛
تا تو را بشناسم و دوستت بدارم.
خداوند،

ای بخشنده ای که به من توانایی فکر کردن بخشیدی؛
یاری ام کن که بدون فکر کاری نکنم.
پروردگارا،

ای دانای بزرگ؛
ای که تفکر را سرمایه من قرار دادی؛
و بیچ عبادتی را از آن برتر ندانستی؛
بر محمد و آل او درود فرست؛

و اندیشه ام را وسیله هدایتم قرار ده.

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت
سخن بگو).

.....
.....
.....

۱- اقتباس از کتاب خدای من (با اندکی تلخیص)





استعانت از خداوند

روزی عده‌ای از درباریان هارون (خلیفه مغرور و زورگوی عباسی) در حضورش نشستند و مشغول چاپلوسی بودند که بهلول زیرک وارد شد.

هارون رو به بهلول کرد و گفت: ای بهلول، خیلی وقت است که ما را می‌شناسی و به دربار ما می‌آیی، اما برخلاف دیگران تاکنون چیزی از ما نخواستی! امروز از ما چیزی بخواه تا به تو ببخشیم! بهلول تأملی کرد و گفت: ای خلیفه بزرگ، نگران گناهانم هستم، می‌ترسم در روز قیامت باعث عذاب من شود. از شما می‌خواهم گناهان مرا ببخشید!

خلیفه خنده بلندی سر داد و گفت: ای نادان، من نمی‌دانم خودم در روز قیامت چه حال و روزی خواهم داشت. چگونه در آن روز تو را نجات دهم؟ چیز دیگری بخواه!

- ای خلیفه، من بدنی نحیف دارم و زود بیمار می‌شوم. از شما می‌خواهم بیماری‌ها را از من دور کنید! هارون این بار با ناراحتی گفت: این کار هم از من ساخته نیست. چیز دیگری بخواه!

- جناب خلیفه، این کشور پهناور و همه ساکنانش فرمانبردار شما هستند، درست می‌گویم؟ - معلوم است. ما سلطان این سرزمین هستیم.

- من هر وقت می‌خواهم استراحت کنم، پشه‌ها و مگس‌های مزاحم، مرا اذیت می‌کنند



و نمی‌گذارند بخوابم. اگر ممکن است به آنها دستور بدهید با من کاری نداشته باشند تا بتوانم راحت استراحت کنم.

هارون که از عصبانیت نمی‌توانست خودش را کنترل کند، فریاد کشید: نادان! اینها چیست که از ما می‌خواهی؟ چرا کارهایی را از ما می‌خواهی که انجامشان از هیچ‌کسی بر نمی‌آید؟ نکند ما را مسخره کرده‌ای؟

بهلول آرام ولی استوار جواب داد: جناب خلیفه، من قصد مسخره کردن شما را نداشتم. فقط... بهلول این را گفت و سپس در میان سکوت و حیرت اطرافیان، قصر را ترک کرد.



فکر می‌کنید بهلول از این درخواست‌ها چه منظوری داشت؟

ما مسلمانان در هر شبانه‌روز دست کم ده مرتبه سوره حمد را می‌خوانیم و در آن می‌گوییم:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
[خدایا] تنها تو را می‌پرستیم
و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

می‌دانید چرا؟

اگر کمی به زندگی روزانه خود فکر کنیم درمی‌یابیم که ما نمی‌توانیم تمام نیازهای زندگی خود را به تنهایی برطرف کنیم و برای پشت سر گذاشتن مشکلات، نیازمند کمک دیگران هستیم. از طرفی انسان‌های دیگر نیز همگی مانند ما هستند و تنها خداوند بزرگ و بی‌مانند است که بدون آنکه خود نیازی به دیگران داشته باشد می‌تواند به همه یاری رساند. پس طبیعی است که همه از خداوند یاری بجویند. اما ما چگونه می‌توانیم بیش از پیش از یاری خداوند برخوردار شویم؟

چگونه از خدا یاری خواهیم؟

۱- دعا کردن

یکی از مهم‌ترین و ساده‌ترین راه‌ها برای استعانت^۱ از خداوند بزرگ دعا کردن است. خداوند مهربان در قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاتِنِي قَرِيبٌ ۖ
ای پیامبر، هرگاه بندگانم از تو
درباره من سؤال کردند،
[بگو] من نزدیکم؛ و به دعای
کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم.
أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ^۲

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که دعای هیچ یک از بندگان از خداوند پنهان نمی‌ماند و او نیز درخواست هیچ کس را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. البته گاهی از خداوند چیزهایی را درخواست می‌کنیم که به مصلحت‌مان نیست. خداوند که بهتر از هر کس دیگری از سود و زیان ما آگاه است، به جای درخواست ما چیزی می‌دهد که مفیدتر و مناسب‌تر است. رسول خدا درباره این‌گونه دعاها می‌فرماید:

هیچ مسلمانی خداوند را نمی‌خواند مگر اینکه دعایش یا در همین دنیا مستجاب می‌شود، یا خداوند آن را برایش در روز قیامت ذخیره می‌کند و یا در برابر آن دعا بخشی از گناهانش را می‌آمرزد.^۳

موانع استجاب دعا

خداوند مهربان به‌خاطر لطف و رحمتش، به همه آفریده‌های خود توجه دارد و هیچ‌دعایی از او پوشیده نیست، اما بعضی کارها در نزد خداوند آن‌قدر ناپسند است که اگر کسی آنها را انجام دهد، دعاهایش مستجاب نمی‌شود:



«بنی اسرائیل دچار قحطی و خشکسالی شدیدی شدند. رودها و چشمه‌ها خشک شد و همه محصولات کشاورزی و حیوانات اهلی از بین رفت. خشکسالی آن‌چنان طولانی شد که مردم از

گرسنگی حتی حیوانات مرده را هم می‌خوردند. جمعیت انبوهی برای طلب یاری از خداوند جمع شدند و به بیابان رفتند و با گریه و زاری مشغول دعا شدند. پس از مدتی طولانی باز هم خبری از باران نشد و مردم خسته و ناامید دوباره به خانه‌هایشان بازگشتند. خداوند به پیامبر وحی کرد که به میان بنی‌اسرائیل برو و بگو در خانه‌های شما اموالی است که به زور از دیگران غارت کرده‌اید. تا وقتی اموال دیگران را برنگردانید هر قدر هم دعا کنید، دعایتان را مستجاب نخواهم کرد. بنی‌اسرائیل شروع به بازگرداندن اموال دیگران کردند. وقتی تمامی اموال را به آنان بازگرداندند، دوباره ابرهای باران‌زا در آسمان پدیدار شدند و پس از سال‌ها خشکسالی، رحمت خداوند آن سرزمین را فراگرفت.»



ماجرای بنی‌اسرائیل به یکی از موانع استجاب دعا (کسب مال حرام) اشاره می‌کند. شما نیز در کلاس و با کمک معلم محترم درباره موانع دیگر استجاب دعا گفت‌وگو کنید.

نماز بهترین جایگاه دعاست. نماز گزار در بخش‌های مختلف نماز (سوره حمد، قنوت، دعاهای رکوع و سجود) با خداوند سخن می‌گوید و از او یاری می‌طلبد. در این حال، انسان به خداوند توجه بیشتری دارد، خدا نیز با لطف و رحمت بیشتری با او رفتار می‌کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هرگاه حضرت علی علیه‌السلام به گرفتاری بزرگی مبتلا می‌شد به نماز پناه می‌برد. پس هرگاه مشکلی از مشکلات دنیا شما را غمگین کرد، وضو بگیرید، به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید و دعایتان را از خداوند بخواهید.^۱

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۹.

۲- صبر و تقوا

به جز دعا کردن چه کارهای دیگری را سراغ دارید که یاری خداوند را به دنبال داشته باشد؟
«بعد از جنگ احد، دیگر برای مسلمانان رمقی باقی نمانده بود. تعداد زیادی شهید شده و بقیه هم به سختی مجروح شده بودند.

لشکر مشرکان که پس از جنگ، در راه بازگشت به مکه بودند، در بین راه با خود گفتند: اکنون که پیروز شده‌ایم، چرا کار را یکسره نکنیم؟ بهتر است به مدینه حمله کنیم و مسلمانانی را که زنده مانده‌اند بکشیم و دارایی‌های شهر مدینه را نیز غارت کنیم، با این کار برای همیشه خیال ما از محمد و پیروانش آسوده خواهد شد ...



خیلی زود به مسلمانان خبر رسید که لشکر مشرکان دوباره به طرف آنها در حرکتند. شرایط بسیار سختی به وجود آمده بود. آنان دیگر توان جنگیدن نداشتند. در حالی که مسلمانان ناامید شده بودند، ناگهان فرشته‌ وحی برای پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله پیام مهمی آورد. این پیام به مسلمانان آن چنان روحیه‌ای بخشید که حتی مجروحینی را که ده‌ها زخم در تن داشتند، برای نبرد با کافران به طرف میدان مبارزه کشید:

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری پیشه نمائید،
وَيَأْتِكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا هنگامی که دشمنان با جوش و خروش بر شما بتازند،
يُمِدُّكُم بِرُكْبِكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ^۱
پروردگارتان شما را با پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، یاری
خواهد کرد.

پس از نزول این آیات مسلمانان با تمام توان دوباره به طرف میدان جنگ به حرکت درآمدند. مشرکان که نمی‌توانستند باور کنند این لشکر امیدوار و با روحیه، همان لشکر شکست خورده باشد به گمان اینکه لشکری تازه‌نفس به سراغشان آمده است، از وحشت پابه فرار گذاشتند.»

۱- سوره آل عمران، آیه‌های ۱۲۳ تا ۱۲۵.



با دوستانتان گفتگو کنید و نمونه‌های صبر و پرهیزگاری را در حوادث پس از جنگ احد بیان کنید.

روزه، صبر ارزشمند

یکی از کارهایی که موجب تقویت صبر انسان می‌شود و او را با تقوا می‌سازد، روزه گرفتن است.

مؤمنی که روزه می‌گیرد، با اینکه آب و غذا در اختیار دارد و می‌تواند از آنها استفاده کند، برای خشنودی خداوند تشنگی و گرسنگی را تحمل می‌کند. او با این کار به تمرین صبر می‌پردازد و به خواسته خداوند بیش از خواسته خودش توجه می‌کند. کاملاً روشن است که خداوند مهربان نیز به چنین فردی بیش از پیش یاری می‌رساند و او را در کارهایش موفق می‌گرداند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هرگاه کسی به مشکل بزرگی مبتلا شد، روزه بگیرد؛ زیرا که خداوند می‌فرماید: از صبر کمک بگیرید و در اینجا منظور از صبر روزه است.^۱



- ۱- توضیح دهید چرا بهلول هرگز چیزی از هارون درخواست نمی‌کرد؟
- ۲- گاهی انسان‌ها در دعاهایشان چیزی می‌خواهند که برایشان زبان‌آور است. آیا خداوند این دعاها را مستجاب می‌کند؟ گفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله را در این مورد توضیح دهید.
- ۳- پیام مهم خداوند را که باعث شد مسلمانان نیرویی تازه بگیرند و مشرکان را فراری دهند، به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۴- توضیح دهید روزه گرفتن چگونه باعث بهره‌مندی بیش‌تر ما از یاری خداوند می‌شود.



امداد غیبی

چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، نیمه‌های شب در حالی که مردم خوابیده‌اند، هواپیماها و بالگردهای آمریکایی مخفیانه وارد ایران می‌شوند و پس از پیمودن هزار کیلومتر در اطراف شهر طبس فرود می‌آیند.

آنها باید در این مکان ضمن سوختگیری، برای آخرین بار نقشه عملیات را مرور کنند و همین امشب مأموریت سری خود را به انجام برسانند. آمریکایی‌ها بهترین کماندوهای خود را پنج ماه تمام آموزش‌های ویژه داده‌اند تا بتوانند این مأموریت مهم را با پیروزی پشت سر بگذارند.

آنان می‌خواهند جاسوسان آمریکایی را که در ایران دستگیر شده‌اند آزاد کنند و سپس با بمباران جماران (منزل امام خمینی) و کودتای نظامی در ایران، حکومت را دوباره به دست بگیرند.

ماهواره‌های اداره هوشناسی مرکزی آمریکا هوای امشب ایران را کاملاً صاف و مهتابی اعلام کرده‌اند.

برای اینکه این عملیات سری فاش نشود، آنها باید بلافاصله پس از سوختگیری دوباره به پرواز درآیند و قبل از روشن شدن هوا کار را یکسره کنند.

هواپیماها و بالگردهای بزرگ یکی پس از دیگری به هواپیمای گول پیکر سوخت‌رسان نزدیک می‌شوند و پس از سوختگیری جای خود را به دیگری می‌دهند. ظاهراً همه چیز طبق نقشه پیش می‌رود و از همین حالا باید عملیات را تمام شده دانست که ناگهان:

طوفانی سهمگین تمام منطقه را فرا می‌گیرد. تندباد صحرایی دانه‌های ریز شن را با خود همراه می‌کند و در یک چشم به هم زدن همه را زمین‌گیر می‌کند. دیگر چشم چشم را نمی‌بیند. طوفان شن رادارهای پیشرفته را هم از کار انداخته است.

فرمانده با تلاش فراوان با وزارت جنگ آمریکا تماس می‌گیرد:

«این چه وضعیتی است؟ مگر شما هوا را پیش‌بینی نکرده بودید؟ ما اینجا گیر افتاده‌ایم! اینجا جهنم است! از جهنم هم بدتر. هرچه زودتر دستور نهایی را صادر کنید. اگر این وضع ادامه پیدا کند باید...» و دوباره ارتباط قطع می‌شود.

در این حال یکی از بالگردها که برای سوختگیری به هواپیمای سوخت‌رسانی نزدیک می‌شود، به دلیل عدم دید کافی با هواپیماهای دیگر برخورد می‌کند و ناگهان با صدایی مهیب تمام صحرا روشن می‌شود. خلبان و هشت کماندو در یک چشم به هم‌زدن کشته می‌شوند.



سایر کماندوها وحشت‌زده از بالگردها پایین می‌پرند و فرار می‌کنند. هرکس سعی می‌کند جان خودش را نجات دهد. دو بالگرد دیگر که هم‌زمان قصد فرار دارند، یکدیگر را نمی‌بینند و دوباره صدایی مهیب ...

آتش انفجار بالگردها و مهمات درون آنها، هواپیماها و بالگردهای دیگر را هم به آتش می‌کشد و ...

چه کسی باور می‌کند؟ هواپیماها و بالگردهایی که در هیچ جنگی شکست نخورده بودند! تمام آن پیش‌بینی‌ها و تمرین‌ها! آن همه مهمات و نیرو! ... دانه‌های ریز شن همه را شکست داد. این همان اتفاقی است که رئیس جمهور آمریکا پس از مدت‌ها درباره آن می‌گوید:

من هنوز هم کابوس وحشتناک طبس را می‌بینم!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
نعمت خدا را بر خودتان به
یاد آورید

إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ
فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِم
رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا

که وقتی لشکریانی انبوه [برای
نابودیتان] به سراغ شما آمدند،
پس ما تندبادی را به همراه
سپاهیان خود که شما آنها را
نمی‌دیدید به جنگ آنان فرستادیم
[تا بدانید که] خداوند به آنچه
می‌کنید بیناست.

وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

پیشنهاد



سورهٔ فیل را بخوانید و ببینید معنای این سوره چه شباهت‌هایی با ماجرای طبس دارد؟ این شباهت‌ها را یادداشت کنید و دربارهٔ آنها با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید. به نظر شما این شباهت‌ها و تکرار این‌گونه اتفاق‌ها در زمان‌های مختلف نشانه چیست؟

الهی

خداوند،

تو را پاس که کامل ترین دین را نصیبم ساختی؛ و مرا دوست دار
دینت قرار دادی.

ای داناترین و ای تواناترین،

تو خود پیش از همه انسان را می شناسی؛

و به ضعف و قوتش آگاهی؛

و می دانی که دانی اش اندک است و قانون بایش ناقص؛

الهی،

پس بر محمد و آل او درود فرست و یاری ام کن؛

یاری ام کن که قانون تو را که دین تو است، بشناسم؛

بموازه آن را دوست بدارم؛

و به آن عمل کنم؛

ای مهربان ترین مهربانان...

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با

پروردگارت سخن بگو).

.....
.....
.....



راه و توشه

فصل دوم

در فصل پیش دانستیم که جهان آفرینش با تمام وسعت و شگفتی‌هایی که دارد، برای این آفریده شده است که انسان از آن استفاده کند و با سرمایه‌های گرانقدری (مانند فرصت زندگی و توانایی اندیشیدن) که در اختیار دارد، به سوی بهشت الهی حرکت کند.

ما در این فصل، به بررسی کارهایی می‌پردازیم که می‌توانند ما را در رسیدن به هدفی که داریم یاری کنند.

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: دین؛ گنج بی‌پایان، نردبان آسمان و یک فرصت طلایی.

🌀 **درس چهارم (دین؛ گنج بی‌پایان)** با نشان دادن برخی مشکلات جوامع بی‌دین، تأثیر دین در خوشبختی انسان‌ها و مسئولیت ما در برابر این نعمت بزرگ الهی را بیان می‌کند.



🌀 **درس پنجم (نردبان آسمان)** ضمن بیان برخی آداب نماز و فضایل آنها به آموزش احکام لباس و مکان نمازگزار خواهد پرداخت.



🌀 **درس ششم (یک فرصت طلایی)** ابتدا برخی ویژگی‌های ماه رمضان را برشمرد و سپس فواید روزه‌داری را بیان می‌کند و در انتها به احکام مربوط به روزه خواهد پرداخت.





دین؛ گنج بی پایان

باورتان می‌شود...

در قرن بیست و یکم، زمانی که بشر مدعی است به اوج پیشرفت رسیده است؛ در برخی از کشورهای بزرگ و پیشرفته‌ای که ما هر روز تصاویر ساختمان‌ها و اتوبان‌های بزرگ و زیبایی آنها را از تلویزیون می‌بینیم، اتفاقاتی می‌افتد که برای ما باورکردنی نیست. به عنوان مثال: در بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای دنیا هنوز هم عده زیادی از مردم به پرستش حیوانات و بت‌های بی‌جان مشغولند؟

سالانه در سراسر جهان بیش از چهل میلیون نوزاد پیش از آنکه به دنیا بیایند به درخواست مادرانشان کشته می‌شوند. این کار وحشیانه در اغلب کشورهای بزرگ و پیشرفته دنیا کاملاً قانونی است!

در کشور آمریکا در هر ۳۱ ثانیه یک نفر به قتل می‌رسد! در این کشور سالانه بیش از هشتصد هزار کودک ناپدید می‌شوند که تنها اجساد نیمی از آنان پیدا می‌شود و از سرنوشت بقیه هیچگاه خبری بدست نمی‌آید!

در هر ساعت ۶۶۲ نفر در دنیا به خاطر مصرف مشروبات الکلی جان می‌دهند! اشغالگران صهیونیست اعضای داخلی بدن کودکان و نوجوانان فلسطینی را قبل از کشتن آنها در زندان‌ها از بدنشان جدا می‌کنند و می‌فروشند؟ در بعضی از کشورهای اروپایی بیش از نیمی از مردم به سگ‌هایشان بیش از خانواده‌شان علاقه دارند!

این وضعیت ناپسند شما را به یاد کدام بخش از تاریخ می‌اندازد؟



۱- جمعیت آمریکا حدود ۳۱۰ میلیون نفر است که طبق آمارهای رسمی وزارت دادگستری آمریکا و پلیس فدرال (FBI) مرگ و میر سالانه این کشور حدود ۴ میلیون نفر است. از این ۴ میلیون نفر سالانه بیش از یک میلیون نفر به قتل می‌رسند. آمارهای مربوط به کشور آمریکا از گزارش رسمی سایت وزارت دادگستری آمریکا (www.justice.gov) نقل شده است.

اوضاع جزیره العرب را در زمان جاهلیت به یاد دارید؟ در آن هنگام، صدایی که هرگز قطع نمی شد، صدای برخورد شمشیرها و ناله مادران داغ دار بود! چه بسیار دختران معصومی که به جرم دختر بودن، بی رحمانه زنده به گور می شدند. خوراک مردم، گوشت بدبوی مردار و هم نشین آنها مارها و سوسمارها بود. خیانت به دیگران افتخار، و کشتار دیگران نشانه قدرت بود. حضرت علی علیه السلام درباره این زمان می فرماید:

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در حالی برای هشدار به همه جهانیان به پیامبری مبعوث کرد که شما بدترین روش زندگی را داشتید و در بدترین خانه ها زندگی می کردید. آشامیدنی هایتان آلوده بود و غذاهایتان ناگوار، خون یکدیگر را می ریختید، پیوند خویشاوندی را با بستگانتان از بین می بردید و فسادها و گناهان شما را فرا گرفته بود.^۱

- ۱- به نظر شما چه شباهت هایی بین رفتار مردم در این دو زمان وجود دارد؟
- ۲- فکر می کنید علت این شباهت ها چیست؟

راه خوشبختی

پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدتی کوتاه همه چیز تغییر کرد. مردمی که سال های طولانی دشمن یکدیگر بودند، با پذیرش دین آسمانی اسلام، برادران دینی یکدیگر شدند و در سرزمینی که در آن تنها عده ای انگشت شمار توانایی خواندن و نوشتن داشتند، در مدتی کوتاه هزاران دانشجو و استاد تربیت شد. در این سرزمین، دیگر کسی دختران را زنده به گور نمی کرد، مجسمه های سنگی و چوبی عبادت نمی شد و کسی به خاطر رنگ پوستش تحقیر نمی شد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

اینها همه تنها گوشه‌ای از ثمرات بی‌شماری بود که دین برای مردم به ارمغان آورده بود.
قرآن کریم با یادآوری این موضوع مهم به مؤمنان می‌فرماید:

و اذْکُروا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلٰی یَکُم	و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید،
اِذْ کُنْتُمْ اَعْدَاءٌ	آن گاه که دشمن یکدیگر بودید
فَالْفَ بَیْنَ قُلُوْبِکُمْ	و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت
فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا	و به لطف او برادر شدید.
وَ کُنْتُمْ عَلٰی شَفَا مَحْفَرَةٍ مِّنَ النَّارِ	و شما بر لبه پرتگاهی از آتش بودید،
فَاَنْقَذْکُمْ مِنْهَا ^۱	پس شما را از آن رهانید.

اکنون پس از گذشت قرن‌ها، هنوز هم برخی گمان می‌کنند پیشرفت علمی آنها برای یافتن راه خوشبختی کافی است و برای همین خودشان را از راهنمایی خداوند مهربان بی‌نیاز می‌دانند و به تعالیم پیامبران بی‌توجهی می‌کنند. آنها برای رسیدن به خوشبختی هر راهی را آزمایش می‌کنند، اما باز هم نمی‌توانند خود را از وضعیت تأسف باری که در آن قرار دارند نجات دهند؛ چرا که تنها به تجربه و دانش محدود خود تکیه می‌کنند.
خداوند حکیم برای از بین بردن این تصور غلط می‌فرماید:

کَمَا اَرْسَلْنَا فِیْکُمْ رَسُوْلًا مِّنْکُمْ	در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم
یَتْلُو عَلَیْکُمْ اٰیٰتِنَا	[که] آیات ما را برای شما بازگو می‌کند؛
وَ یُزَکِّیْکُمْ	و شما را پاک می‌سازد
وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتٰبَ وَ الْحِکْمَةَ	و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد
وَ یُعَلِّمُکُمْ مَا لَمْ تَکُوْنُوْا تَعَلِّمُوْنَ ^۲	و آنچه را نمی‌توانستید بیاموزید به شما
	می‌آموزد.

بنابراین، ارزش دین وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم، اگر پیامبران راه درست

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۱.

خوشبختی را بیان نمی کردند، ما هرگز نمی توانستیم خودمان این راه را پیدا کنیم. کسانی که به راهنمایی های دین اعتقاد دارند، همواره به درستی راه خود اطمینان دارند و بدون هیچ ترس و اضطرابی به حرکت خود به سوی هدف ادامه می دهند. آنها به خوبی می دانند که هیچ یک از دستورات دین بی دلیل و بی فایده نیست و حتی اگر ما از علت آنها هم بی خبر باشیم، باز هم عمل کردن به این دستورات ضامن سعادت ما خواهد بود. برای نمونه در ماه مبارک رمضان که مردم به مسائل دینی اهمیت بیشتری می دهند و کمتر دچار غفلت و وسوسه شیطان می شوند، آمار جرم های مختلف در کشور ما ایران از ۳۰ تا ۸۰ درصد نسبت به ماه های دیگر کاهش می یابد.

همه ما در حال پیمودن مسیری طولانی به طرف بهشت هستیم که قبلاً این راه را نرفته ایم و با آن آشنایی نداریم. پیمودن این راه بدون یک راهنمای آگاه و دلسوز، درست مانند امتحان دادن درسی است که تاکنون نخوانده ایم.

به همین دلیل خداوند مهربان پیامبرانی را به کمک ما فرستاده است که خودشان راه را به درستی می شناسند و به ما نیز یاد می دهند که برای رسیدن به مقصد، چه چیزهایی را باید همراه خود ببریم و چه چیزهایی را نباید همراه داشته باشیم.

با توجه به اهمیت و تأثیر بی نظیر دین در خوشبختی انسان، وظیفه ما نسبت به دین چیست؟

دفاع از دین

با نگاهی به تاریخ اسلام درمی یابیم که مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام، همواره از دین خود — که آخرین و کامل ترین دین الهی است — با تمام توان محافظت کرده اند. آنان می دانستند دین تنها راه رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است، به همین دلیل، آن را از جان خود عزیزتر می دانستند و هرگاه احساس می کردند خطری دین را تهدید می کند، با فدا کردن جانشان به دفاع از دین خدا برمی خاستند.

این فداکاری تنها مربوط به زمان های گذشته نیست و تا وقتی شیطان و سربازانش برای نابودی دین نقشه می کشند، ما نیز موظفیم با هوشیاری از آن پاسداری کنیم.

مقاومت هشت ساله جوانان مؤمن کشور عزیزمان ایران، در برابر ارتش صدام، نمونه‌ای روشن از این مسئولیت مهم است. نوشته ذیل قسمتی از وصیت‌نامه یکی از شهیدان دفاع مقدس است که مانند صدها هزار شهید دیگر، جان پاکش را برای دفاع از دین خدا فدا کرد:

... من به خاطر این به جبهه آمدم که من ردم هر آن در خطر است. اسلام در خطر است. چون مسلمان بودم و باید از اسلام و میهنم دفاع می‌کردم. در طول تاریخ برای پیرچا مانند دین اسلام، قربانیان زیادی داده شده است، مثل امام حسین علیه‌السلام و اصحابش و مثل شهدای ما در جبهه. پس بر من واجب بود تا از آن دفاع کنم. اسلامی که با سقن‌های بسیار نگهداشته شده و مسلمانان (برای دفاع از آن) استقامت می‌کردند، بر من واجب بود از آن دفاع کنم...!

بیشتر بدانیم

هر کس برای اولین بار او را می‌دید متوجه می‌شد که شانۀ‌اش با شانۀ افراد سالم فرق دارد. زنان و دختران جوان با اینکه چند بار ماجرای جنگ اُحد را شنیده بودند، اما خیلی دوست داشتند که خود «تُسیبه» ماجرای دستش را برای آنها تعریف کند ...



«آن وقت‌ها اگر جنگی پیش می‌آمد، زنان نیز تا نزدیک میدان جنگ می‌آمدند و به مداوای مجروحان و آب دادن به رزمندگان و ... می‌پرداختند. روز جنگ، وقتی شوهر و دو پسر به همراه پیامبر خدا عازم اُحد شدند، من هم مشک آب را به همراه پارچه‌هایی برای بستن زخم مجروحان برداشتم و به راه افتادم. در آن لحظات فکر هر چیزی را می‌کردم جز جنگیدن! آن روز مسلمانان با اینکه خیلی کمتر از کفار بودند، اما در ابتدای جنگ توانستند کفار را به سختی شکست بدهند و آنها را فراری بدهند. عده‌ای از مسلمانان به گمان

۱- بخشی از وصیت‌نامه شهید رمضان عامری که در سال ۱۳۶۷ در جبهه‌های نبرد دفاع مقدس به شهادت رسید.



اینکه کار دیگر تمام شده است، سلاح‌ها را به زمین گذاشتند و به جمع‌آوری غنیمت مشغول شدند. حتی نگهبانان گردنه حساس احد که پیامبر به آنها دستور داده بود به هیچ عنوان جایشان را ترک نکردند، وقتی بقیه مسلمانان را در حال جمع غنیمت دیدند، از گردنه پایین آمدند و مانند بقیه مشغول جمع‌آوری غنیمت برای خودشان شدند.

کفار که از دور این ماجرا را دیدند، با هم متحد شدند و ناگهان از پشت سر مسلمانان، یعنی از همان گردنه احد، مسلمانان بی سلاح را غافلگیر کردند و به آنان حمله کردند. عده زیادی کشته شدند، عده‌ای مجروح شدند و بقیه هم فرار کردند. فقط تعداد اندکی از مؤمنان واقعی مانند علی ابن ابی طالب و حمزه اطراف پیامبر را گرفتند و به جنگ با مشرکان پرداختند.

شرایط خیلی سختی بود. خیلی نگران بودم. خدایا، نکند برای پیامبر اتفاقی بیفتد؟! احساس کردم دین در خطر است. اگر کافران آن چند مسلمان را هم از پای درآورند، دیگر از دین من چیزی باقی نمی‌ماند.

نتوانستم تحمل کنم. مشک را به زمین انداختم و به طرف میدان دویدم.

یکی از کفار را دیدم که فریاد می‌زد: محمد کجاست؟ خود محمد کجاست؟

خودم را به او رساندم و چند ضربه شمشیر نثارش کردم. ناگهان دیدم دو زره روی هم پوشیده است و ضربات من اثر زیادی بر او نداشته است. با شمشیرش ضربه محکمی

بر شانه من زد که خون از دستم فواره زد.
 پیامبر خدا در حالی که خودش مشغول دفاع بود، یکی از پسرانم را صدا زد و فرمود:
 زود برو و زخم مادرت را ببند.
 پسرم زخم شانه‌ام را بست. شمشیرم را برداشتم و دوباره خودم را به پیامبر رساندم.
 مشغول جنگ بودم که یکی از پسرهایم مجروح شد. فوراً خودم را به او رساندم و
 زخمش را بستم و به او گفتم: زود باش خودت را کنار پیامبر برسان...
 جنگ احد که تمام شد، پیامبر برای اطمینان از وضع دشمن دستور تعقیب آنها را
 صادر کرد، ولی من که چند جای بدنم زخمی شده بود و خون زیادی هم از بدنم رفته
 بود، دیگر نتوانستم ادامه دهم و در حالی که دیگر امیدی به زنده ماندنم نبود، با هر
 زحمتی که بود از میدان جنگ بیرون آمدم.
 آن روز وقتی سپاه اسلام به مدینه بازگشت، رسول گرامی اسلام، پیش از اینکه به
 خانه‌اش برود کسی را به منزل ما فرستاد تا از حال من باخبر شود.
 وقتی شنیدم که پیامبر خدا از شنیدن این خبر که نسبیبه زنده است چقدر خوشحال
 شدند، از شادی در پوست خودم نمی‌گنجیدم.
 با خودم گفتم: درست است که مجروح شدم و شانه‌ام درد زیادی دارد، ولی در
 عوض تا جایی که توانستم از پیامبر خدا و دین خودم دفاع کردم. این خیلی مهم‌تر از
 سلامتی نسبیبه است...»^۱



- ۱- آیا انسان می‌تواند بدون استفاده از دستورات خداوند همه نیازها و خطرهای راه سعادت را پیش‌بینی کند؟ توضیح دهید.
- ۲- توضیح دهید که راهنمایی‌های پیامبران چگونه باعث خوشبختی انسان در دنیا و آخرت می‌شود؟
- ۳- به نظر شما اگر مسلمانان نسبت به راهنمایی‌های دین خود بی‌توجه باشند، چه سرنوشتی در انتظار آنها خواهد بود؟ آیا وضعیت آنها با مردم کشورهای بی‌دین تفاوتی خواهد داشت؟

۱- برداشت از داستان راستان استان مطهری (به نقل از شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۵۶۸ تا ۵۷۰).



نردبان آسمان

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«ای مردم، مراقب نمازهایتان باشید و خودتان را با نماز به خدا نزدیک کنید. آیا نمی شنوید که وقتی از دوزخیان می پرسند چه چیزی شما را به دوزخ کشانید، می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»؟ بدرستی که نماز، گناهان را مانند برگ‌های پاییزی فرو می ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می گشاید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد؛ پس هرگز آلودگی در بدن او باقی نمی ماند.»^۱



در میان احکام اسلام هیچ موضوعی نیست که به اندازه نماز مورد تأکید و سفارش پیشوایان دین قرار گرفته باشد. این عبادت بزرگ در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به عنوان ستون دین و معراج^۲ مؤمنان یاد شده است و ترک آن می تواند انسان را به مرز هولناک کفر و بی ایمانی بکشاند.

اما باید ببینیم هر نمازی می تواند باعث بالا رفتن ما به سوی خدا شود؟
ما باید چگونه نماز بخوانیم که مورد توجه بیشتر خداوند قرار بگیریم؟

آداب نماز

در سال گذشته با برخی از آداب نماز آشنا شدیم. به جای آوردن نماز در اول وقت، پوشیدن لباس‌های تمیز و مرتب کردن ظاهر در نماز از این آداب بودند.

در این درس به برخی دیگر از آداب و احکام نماز خواهیم پرداخت که عمل به آنها می تواند نماز را نزد خداوند ارزشمندتر سازد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹. ۲- معراج: وسیله بالا رفتن به سوی خداوند.

خواندن اذان و اقامه قبل از نماز

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

کسی که اذان و اقامه بگوید و به نماز بایستد، دو صف از فرشتگان پشت سر او به نماز می ایستند که ابتدا و انتهای این دو صف دیده نمی شود، و کسی که فقط اقامه بگوید و نماز بخواند، پشت سرش یک صف از فرشتگان به نماز می ایستند.^۱

این حدیث نورانی به خوبی نشانگر اهمیت و ارزش والای اذان و اقامه در تکمیل نماز است. محتوای اذان و اقامه را به یاد دارید؟ خداوند را از همه بزرگ تر شمردن، شهادت به یگانگی خداوند، شهادت به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و این موضوعات مهم ترین عقاید همه مسلمانان جهان است که به عنوان شعار اسلام، هر روز و شب و در وقت هر نماز، با صدای بلند در آسمان شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی طنین انداز می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این عمل ارزشمند می فرماید:

بخشی از ثواب نماز همه نمازگزاران، سهم مؤذنی است که مردم با صدای اذان او به نماز ایستاده اند.^۲

سفارش های بزرگان دین به اذان گفتن سبب شده است اذان گویی عملی پسندیده و قابل تقدیر به شمار آید، به گونه ای که همواره مؤذنان، امین و مورد اعتماد مردم بوده اند و از اعتبار ویژه ای نسبت به دیگران برخوردارند.

نماز خواندن در مسجد

نماز خواندن در مسجد، یکی دیگر از آداب نماز است که باعث توجه بیشتر خداوند به

۱- وسائل الشیعة ج ۵، ص ۳۷۳.

۲- وسائل الشیعة ج ۵، ص ۳۷۱.

نمازگزار می شود و لطف و رحمت بیشتر او را به دنبال می آورد. انسان وقتی به مسجد می رود در حقیقت میهمان خداست و روشن است که هیچ کس در پذیرایی از میهمانان خود، از خداوند بزرگ توانا تر نیست.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

به مسجد آمدن را جدی بگیرید؛ چرا که مساجد خانه های خداوند در زمین هستند و هر کس با طهارت به مسجد برود خداوند او را از گناهانش پاک می کند و [نام] او را در میان زائران خود می نویسد.^۱



فعالیت کلاسی

ضمن مشورت با دوستانتان در کلاس، توضیح دهید که چه فرقی بین آداب نماز و احکام واجب نماز وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش می توانید از دبیر محترمتان کمک بگیرید.

شرایط نماز صحیح

نماز جماعت که تمام شد، سعید از صف پشتی آمد و کنار من نشست:

- سلام

همین طور که داشتم تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها^۲ را می گفتم با او دست دادم و جوابش را دادم.

سعید که انگار می خواست حرف مهمی بزند، همین طور چشم به من دوخته بود تا تسبیحات را تمام کردم. بلافاصله گفت:

هیچ می دانی باید نمازت را دوباره از اول بخوانی؟

- چرا؟

۱- امالی صدوق، ص ۳۵۸.

۲- تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یعنی گفتن الله اکبر (۳۴ مرتبه)، الحمد لله (۳۳ مرتبه) و سبحان الله (۳۳ مرتبه)

- برای اینکه نمازی که الآن خواندی باطل بود!
خیلی تعجب کردم. دوباره پرسیدم: چرا؟
- برای اینکه پشت آستین پیراهنت خونی شده و با لباس نجس نمی‌شود نماز خواند.
تو مطمئنی؟
- باور نمی‌کنی؟ اینجاست، ببین.
با زحمت پیراهنم را چرخاندم و آن را دیدم. درست می‌گفت ولی خیلی کم بود. شاید یک قطره بود.
- ولی این که خیلی کوچک است. مطمئنی این مقدار خون نماز را باطل می‌کند؟
- کاری ندارد، برویم از حاج آقا بپرسیم.
با هم رفتیم و کنار آقای علوی امام جماعت مسجدمان نشستیم. وقتی که بعد از سلام و احوال‌پرسی ماجرا را برای او تعریف کردیم، حاج آقا گفت:
ببینید بچه‌ها؛ اگر نماز گزار قبل از نماز بفهمد که لباس یا بدنش نجس شده است و با همان وضعیت نماز بخواند نمازش باطل است. از این گذشته اگر هم بفهمد لباس و بدنش نجس شده است ولی بعداً فراموش کند، آن را پاک کند و در همان حال نماز بخواند، باز هم نمازش باطل خواهد بود. اما اگر نماز گزار قبل از نماز نداند که لباس یا بدنش نجس شده است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و فقط برای نمازهای بعدی باید آنها را پاک کند.
- ببخشید حاج آقا، یعنی نماز علی باطل نیست؟
- نخیر. چون اولاً خودش در حال نماز از نجس بودن لباسش خبر نداشته و از این گذشته خونی که روی لباس علی آقا ریخته از یک سکه^۱ کوچک^۱ کمتر است.
سعید گفت: پس من چند روز پیش که برادر کوچکم را بغل کرده بودم و لباسم کمی نجس شد، لازم نبود آن را برای نماز می‌شستم؟
- این مقدار بدون اشکال فقط درباره خون است؛ یعنی اگر لباس و یا بدن شما با نجاسات دیگر برخورد کند، حتی اگر یک قطره هم باشد، حتماً باید قبل از نماز آن را پاک کنید.
- حاج آقا ببخشید؛ من شنیده‌ام اگر جوراب کسی نجس باشد، می‌تواند با آن نماز بخواند. این درست است؟

- نماز خواندن با جوراب، کلاه و یا دستکش نجس که لباس به حساب نمی‌آیند اشکالی ندارد، به این شرط که خشک باشند و نجاست آنها به بدن و لباس‌های دیگر سرایت نکند. علاوه بر اینها،

۱- این اندازه تقریباً به اندازه یک بند از انگشت سبابه انسان است.



مکان و لباس نمازگزار شرایط دیگری هم دارد که باید به آنها توجه داشته باشیم:

اول: علاوه بر لباس و بدن نمازگزار، مکان نمازگزار (یعنی چیزی که فرد بر آن سجده می کند) هم باید پاک باشد و سجده کردن بر اشیای نجس، نماز را باطل می کند.

دوم: اگر نمازگزار در مکان غصبی^۱ نماز بخواند، نمازش باطل است و باید در مکان دیگری، دوباره آن نماز را به جای آورد.

سوم: لباس نمازگزار نباید غصبی باشد و حتی اگر دکمه ها و یا تنها بخشی از لباس نمازگزار نیز غصبی باشد، نماز با آن لباس ها باطل خواهد بود.

چهارم: اگر کسی با پولی که از راه حرام به دست آورده لباسی بخرد، نمی تواند در آن لباس نماز بخواند.

پنجم: استفاده از زیورآلات طلا — مانند انگشتر و یا گردنبند — برای مردان حرام است و استفاده کردن از این وسایل در هنگام نماز، باعث باطل شدن نماز مردان می شود.

ششم: نماز خواندن با لباسی که از پوست، مو و یا اجزای دیگر حیوانات حرام گوشت تهیه شده باشد، صحیح نیست و حتی اگر بخش های کوچکی از اجزای این حیوانات همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل خواهد بود.

۱- مکان غصبی به مکانی گفته می شود که صاحبش راضی به حضور دیگران در آن مکان نباشد.



با توجه به آنچه خواندیم، کدامیک از نمازهایی که در جدول زیر آمده صحیح و کدامیک باطل است؟

باطل	صحیح	حکم نماز کسی که این گونه نماز می خواند
		۱- با لباس خیس روی فرش نجس نماز می خواند.
		۲- بدنش نجس شده است ولی خودش نمی داند و نمازش را همین طور می خواند.
		۳- با جوراب نجس و خشک نماز می خواند.
		۴- پاهایش خیس است و در همین حال جوراب نجسی به پا می کند.
		۵- بعد از ادرار کردن فراموش کرده که محل نجس بدن را با آب شست و شو دهد.
		۶- کمربندش از چرم گاو است.
		۷- پس از تماس با گربه، مقداری از موهای گربه روی لباسش باقی مانده است.
		۸- با پولی که رشوه گرفته است، لباسی خریده و با آن نماز می خواند.



اول نماز

سپهبد شهید علی صیاد شیرازی می گوید:

در زمان جنگ ایران و عراق روزی به همراه رئیس جمهور، رئیس مجلس، وزیر دفاع و فرمانده کل سپاه پاسداران برای بررسی اوضاع جبهه‌ها در منزل امام خمینی (ره) بودیم. ایشان نشسته بودند و ما هم دور ایشان به صورت نیم دایره نشسته بودیم. همین طور گرم گفت و گو بودیم که در میان صحبت‌ها ناگهان امام از جایشان بلند شدند و به طرف اتاق کناری رفتند.

یکی از حاضران که نگران حال امام بود بلافاصله پرسید: آقا کسالتی پیش آمده است؟



امام فرمودند: «خیر، وقت نماز است.»
این جمله را با چنان لحنی گفتند که
من به ذهنم رسید تا به حال این طور به
فکر نماز نبوده‌ام! بعد به ساعتی نگاه کردم،
دیدم هنوز چند دقیقه‌ای به اذان ظهر باقی
مانده است.^۱



خودت را امتحان کن

- ۱- اگر کسی بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده است، آیا واجب است نمازش را دوباره بخواند؟ توضیح دهید.
- ۲- کسی که کف پاهایش خیس است، آیا می‌تواند بر روی فرش نجس نماز بخواند؟
- ۳- استفاده از گردنبند و انگشتر طلا:
 - نماز مردان و زنان را باطل می‌کند.
 - فقط نماز زنان را باطل می‌کند.
 - برای مردان حرام است و نماز آنان را باطل می‌کند.
 - استفاده از آنها هیچ ارتباطی به نماز مردان و زنان ندارد.

پیشنهاد



مواردی وجود دارد که حتی اگر نماز گزار در حال نماز هم بفهمد لباس و یا بدنش نجس شده است، نمازش درست است و باید آن را ادامه دهد؛ مثلاً کسی که برای پوشاندن بدنش تنها یک لباس دارد و آن هم نجس شده است، می‌تواند با همان لباس نمازش را بخواند.
با افراد آگاه مشورت کرده و به کمک آنها سه مورد دیگر از این موارد را بیابید و آنها را در کلاس بازگو کنید.

۱- اقتباس از کتاب برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۶۲.



یک فرصت طلایی

— «ای مردم، به میهمانی بزرگ خدا دعوت شده‌اید! این ماه که به سوی شما می‌آید، ماه برکت و مغفرت خداست! نَفَس‌هایتان در این ماه ثواب تسبیح دارد و خواب‌هایتان عبادت است. اعمالتان در این ماه مقبول و دعا‌هایتان مستجاب است. پس دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را به روزه گرفتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد. ای مردم، پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است. هرکس در این ماه بسیار صلوات بفرستد، کارهای نیکش در قیامت سنگین خواهد بود و هرکس در این ماه یک آیه قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را تلاوت کند. ای مردم، هرکس در این ماه روزه‌داری را افطار دهد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد. کسی که در این ماه اخلاقش را نیکو کند، در روز قیامت به آسانی از صراط خواهد گذشت و کسی که در این ماه بر زیر دستانش آسان بگیرد خداوند نیز حسابش را در روز قیامت آسان خواهد کرد»^۱.



- ۱- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این سخنان، به اعمالی اشاره فرموده است که می‌تواند نقش مهمی در زندگی ما در جهان آخرت داشته باشند.
- ۲- سه مورد از این اعمال را بیان کنید و درباره تأثیر آنها در زندگی پس از مرگ، با دوستانتان صحبت کنید.

۱- بخشی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، امالی صدوق، ص ۹۳.

همه ما حال و هوای ماه رمضان را تجربه کرده‌ایم و از این ماه زیبا خاطراتی در ذهن داریم. خاطرات شیرینی که باعث می‌شود پس از پایان یافتن این ماه، خیلی زود دلمان برای سحرها و افطارهای زیبایش تنگ شود و دوباره چشم به راه فرارسیدنش در سال بعد باشیم. شرکت در جلسات قرائت قرآن، میهمانی‌ها و افطاری‌ها، بیدارشدن در وقت سحر، مراسم شب‌های قدر و مناجات‌ها و دعا‌های مختلف در هنگام افطار و سحر، برنامه‌هایی‌اند که این ماه را بر ماه‌های دیگر برتری می‌بخشند. اما مهم‌ترین تفاوت ماه رمضان با ماه‌های دیگر چیست؟



در ماه رمضان روزه گرفتن بر مسلمانان واجب است. پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله درباره اهمیت این عبادت بزرگ می‌فرماید:

روزه سپری است در برابر مشکلات دنیا و پوششی است در برابر عذاب آخرت.^۱

این عمل صالح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که بزرگان دین مردم را — علاوه بر ماه مبارک رمضان — در زمان‌های دیگر نیز به روزه گرفتن سفارش کرده‌اند و برای این کار پاداش‌های ارزشمندی را از طرف خداوند برشمرده‌اند. روزه گرفتن چه سودی برای مردم دارد که خداوند آن را بر همه واجب دانسته است؟

فواید روزه

۱- تقویت صبر و اراده

به درختانی که در کنار جوی‌های آب می‌روید نگاه کنید. آنها برای رشد و ادامه زندگی هیچ مشکل و زحمتی را تحمل نمی‌کنند. اما درختانی که در مناطق کوهستانی و کم‌آب رشد می‌کنند، برای استوار ماندن با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. به نظر شما اگر این درختان دچار طوفانی سهمگین شوند، کدام یک زودتر از پای درمی‌آیند؟ کسی که به خاطر دستور خداوند روزه می‌گیرد، سختی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند

۱- مصباح‌الشریعة، ص ۱۳۵.



و با اینکه آب و غذا در اختیار دارد، از آنها استفاده نمی‌کند. تکرار این کار باعث قوی‌تر شدن اراده و صبر انسان می‌شود. چنین فردی در صحنه‌های دیگر زندگی نیز هر جا که مورد وسوسه شیطان قرار بگیرد می‌تواند با کمک خداوند از اراده محکم خود بهره‌بردار و در برابر گناهان مقاومت کند. اما کسی که هر گاه دلش چیزی خواسته فوراً تسلیم شده است، نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند و خیلی زود در برابر او سر تعظیم فرو می‌آورد.

چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه‌داری وجود دارد؟ توضیح دهید.

فعالیت کلاسی

۲- توجه به محرومان

همه ما بارها این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که می‌گویند: شنیدن کی بود مانند دیدن! شاید بگوییم درست است، اما این ضرب‌المثل چه ربطی به روزه دارد؟

روزی از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: چرا خداوند روزه را بر مردم واجب کرده است؟ امام علیه‌السلام فرمود:

ثروتمندان هرگز درد گرسنگی را حس نمی‌کنند، زیرا هر چه بخواهند می‌توانند به‌دست آورند؛ به همین دلیل نسبت به فقیران و گرسنگان دلسوزی نمی‌کنند. خداوند بلندمرتبه روزه را بر همه واجب کرد تا [در این ماه] همه مانند هم باشند و ثروتمندان نیز مزهٔ گرسنگی را بچشند و با گرسنگان و فقیران مهربان شوند و به آنان کمک کنند.^۱

۳- حفظ سلامتی

می‌توانید حدس بزنید علت بیشتر بیماری‌ها چیست؟ نتیجهٔ تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران نشان می‌دهد که دلیل اصلی بسیاری از بیماری‌ها، تغذیهٔ نادرست و پرخوری است و به همین دلیل در اغلب کتاب‌های معتبر پزشکی بخشی به اصول تغذیه و منافع پرهیز از پرخوری اختصاص یافته است. وقتی که مواد غذایی بیش از حد نیاز بدن باشد، به‌صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و ضمن بالابردن چربی، قند و فشار خون، باعث بالارفتن وزن بدن و انباشته‌شدن چربی در میان ماهیچه‌های بدن می‌شود که محیطی بسیار مناسب برای رشد انواع باکتری‌ها و میکروب‌هاست. یک ماه روزه‌گرفتن، چربی‌های مزاحم و زائد بدن را مصرف می‌کند و از بین می‌برد و در حقیقت بدن را از آلودگی‌های یک‌ساله خانه‌تکانی می‌کند. اکنون معنای این حدیث نورانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله را بهتر می‌فهمیم که می‌فرماید:

صُومُوا تَصِحُّوا روزه بگیرید تا سالم بمانید!^۲

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۷۳.



آیه زیر را با دقت بخوانید:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
روزه بر شما واجب شد
همان‌گونه که بر کسانی که قبل
از شما بودند نیز واجب
شده بود؛
تا پرهیزگار شوید.

۱- با توجه به این آیه، مهم‌ترین فایدهٔ روزه چیست؟

۲- این آیه به کدام یک از فایده‌های روزه که در این درس خواندیم ارتباط دارد؟

مُبطلات روزه

شاید برخی گمان کنند همین که چیزی نخورند و نیاشامند برای روزه گرفتن کافی است، اما این تصور درست نیست. روزه یعنی این که انسان تصمیم بگیرد برای انجام دستور خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار معین (که به آنها مُبطلات روزه گفته می‌شود) خودداری کند. به این تصمیم (که خودش یکی از واجبات روزه است) نیت گفته می‌شود. یعنی اگر کسی نیت روزه گرفتن را نداشته باشد، هرچند که تمام روز را تشنه و گرسنه بماند، نمی‌تواند خود را روزه‌دار بداند.

مبطلات روزه عبارت‌اند از:

۱ و ۲- خوردن و آشامیدن

اگر شخص روزه‌دار آب، غذا، دارو و یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی هم کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز باعث باطل شدن روزه می‌شود. برای همین به ما سفارش شده است در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزنییم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند. البته فرو بردن آب دهان برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۳.

۳- فروبردن سر به زیر آب

روزه‌دار نباید سرش را به‌طور کامل به زیر آب فرو ببرد و اگر این کار را برای یک لحظه هم انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. البته ایستادن زیر دوش آب و یا ریختن آب بر روی سر برای روزه‌دار اشکالی ندارد و حتی اگر قسمتی از سر را یک بار و قسمت دیگر را بار دیگر به زیر آب ببرد نیز روزه‌اش صحیح خواهد بود.

۴- فروبردن غبار یا دود غلیظ به حلق

روزه‌دار نباید گرد و غبار و یا دود غلیظ به حلق خود برساند. بنابراین، اگر جایی گرد و خاک خیلی زیادی در هوا پراکنده شده باشد و یا اینکه دود شدیدی در هوا پیچیده باشد، روزه‌دار باید آن جا را ترک کند و یا با استفاده از یک پارچه و یا ماسک از رسیدن آن به حلقش خودداری کند.

۵- دروغ‌بستن به خدا، پیامبران و یا امامان

اگر روزه‌دار حرفی را از خودش بگوید و بعد به دروغ بگوید که این حرف در قرآن است و یا آن را به یکی از امامان یا پیامبران نسبت دهد، روزه‌اش باطل می‌شود.^۱ تمام مواردی که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه می‌شود که شخص روزه‌دار عمداً و با توجه به این که روزه است آنها را انجام دهد. ولی اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش صحیح خواهد بود.



- ۱- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث رسیدگی بیشتر مردم به فقرا و مستمندان می‌شود.
- ۲- چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.
- ۳- اگر کسی در ماه رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا شناکردن در آب روزه را باطل می‌کند؟ توضیح دهید.

۱- مبطلات روزه نه چیز است که در سال‌های آینده با سایر موارد آن آشنا خواهیم شد.



جراحی بدون چاقو



«مطمئن‌ترین، بی‌ضررترین و بی‌خطرترین روش درمانی! ما نوعی جراحی بدون چاقو را کشف کرده‌ایم که هیچ روش درمانی دیگری را نمی‌توان با آن مقایسه کرد! آنچه گروه تحقیقاتی ما کشف کرده این است: روزه درمانی! ما پس از آزمایش‌های مختلف مشاهده کردیم که هیچ یک از روش‌های پزشکی موجود نمی‌تواند مانند این روش در ترمیم و جوان کردن سلول‌های بدن اثرگذار باشد. روشی که نتیجه‌اش در

پیش‌گیری و درمان بیماری‌ها، غیرقابل تصور است. این روش به سیستم بدن اجازه می‌دهد که پس از یک سال کار بی‌وقفه، کمی استراحت کند و بعد از رهاشدن از شر مواد زائد انباشته شده در آن، دوباره خودش را تنظیم کند. روزه گرفتن تنها گرسنگی کشیدن نیست، بلکه راهی است برای نظافت، ترمیم و بازسازی بدن. این نیروی شگفت‌انگیز هدیه‌ای است که خدا در وجود هر انسانی آفریده است...»^۱



۱- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شپتن، ص ۱۹.

الی

خداوند،

ای صاحب ماه رمضان و ای دوست دار روزه داران؛
شکلیابی ام، نخش تاروزه بکیرم؛
ویاری ام کن تا میمان قرآن شوم.
الی،

تو خودم را به ممانی ات فراخواندی،
پس سحر یایم را پر دعا و افطار یایم را با صفا کن.
وروزه چشم و زبان و کوش را نصیبم کن،
تا بد نیستم، بد گلویم و بد نشوم!
پروردگارا،

ای نخدمه ترین و ای پاک ترین،
دشب های زیبای قدر،

مرا بخش و بهترین سر نوشت را برای همه مقرر کن.
(تو هم اگر دوست داری چند جمله با
پروردگارت سخن بگو).

.....
.....
.....



در سال گذشته دانستیم که مرگ پایان همه چیز نیست؛ بلکه تنها پلی میان دنیا و آخرت است. این را هم دانستیم که حال هر کس در روز قیامت متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است و در حقیقت بهشت و جهنم هر کس در همین دنیا و به دست خودش ساخته می شود.

ما در این فصل، ضمن مرور ارتباط بین زندگی دنیا و آخرت به بررسی کارهایی می پردازیم که تأثیر بسیاری بر حالت انسان در هنگام مرگ دارند.

فصل حاضر از دو درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت اند از: تلخ یا شیرین و راه سعادت مندی.

🌀 **درس هفتم (تلخ یا شیرین)** در قالب داستانی مفصل، به بیان مراحل زندگی انسان از تولد در این دنیا تا رسیدن به بهشت یا دوزخ اشاره دارد.



🌀 **درس هشتم (راه سعادت مندی)** به بررسی سه عمل می پردازد که می تواند تا حد زیادی از سختی مرگ برای انسان بکاهد.





تلخ یا شیرین

زیرک

بر روی تخت گران قیمت قصر نشسته بود و به حادثه‌های عجیب امروز فکر می کرد: «این دیگر چه رسمی است؟ چرا مردم شهر همگی در مقابل دروازه شهر جمع شده بودند؟ چرا تا مرا دیدند، به طرفم دویدند؟ چرا مرا روی شانه‌هایشان نشانند و به قصر آوردند؟ مگر این شهر حاکم و فرمانروا ندارد؟ شاید مرا با شخص دیگری اشتباه گرفته‌اند!...» همه چیز برایش مثل یک رؤیا بود. نمی توانست باور کند؛ صبح وقتی برای اولین بار وارد این شهر می شد، مسافری تنها و خسته بود و امشب، سلطان مردم این سرزمین!





روزها یکی یکی می آمدند و می رفتند، ولی کسی به پرسش های پادشاه جواب درستی نمی داد. این رفتار مرموز اطرافیان، او را بیشتر نگران می کرد، تا اینکه روزی...

مخفیانه لباس مردم عادی شهر را پوشید و از قصر بیرون رفت. همین طور که قدم زنان به اطراف نگاه می کرد، از بازار شلوغ شهر سر در آورد. در شلوغی و سر و صدای بازار هر کس مشغول کاری بود. با کنجکاوی به اطراف نگاه می کرد که ناگهان گرمی دستی را روی شانه هایش احساس کرد. سر جایش میخ کوب شد. سرش را که برگرداند پیرمردی مهربان را دید.

— «جناب سلطان! شما اکنون باید در قصر باشید. با این سر و وضع در بازار چه می کنید؟!»

دست و پایش را گم کرد. نمی دانست چه جوابی بدهد. پیرمرد

او را شناخته بود. بریده بریده گفت: می خواستم، می خواستم، آخر می دانید...

پیرمرد لبخندی زد و گفت: از روز اول هم معلوم بود که آدم زیرکی هستید. حتماً می خواهید بدانید در این شهر چه خبر است و علت رفتار عجیب مردم این شهر چیست. حالا خوب گوش کنید تا من برایتان توضیح دهم:

سال های سال است مردم این شهر طبق یک رسم قدیمی، در روز معینی کنار دروازه شهر جمع می شوند و اولین کسی که وارد شهر می شود را به دوش می گیرند و او را به قصر می برند

و پادشاه خود می‌سازند. آنها تا یک سال به تمام دستورات پادشاه عمل می‌کنند و فرمان‌بردار او هستند، سال بعد دوباره همگی در کنار دروازه شهر جمع می‌شوند و برای انتخاب سلطان جدید، چشم به دروازه شهر می‌دوزند. بنابراین، هیچ پادشاهی در این شهر نمی‌تواند بیشتر از یک سال بر مردم حکومت کند.

— پس تکلیف پادشاه قبلی چه می‌شود؟

— او را بر کشتی سوار می‌کنند و به جزیره‌ای می‌برند و در آنجا می‌گذارند.

— می‌دانی آن جزیره کجاست؟

— من این موضوع را به پادشاهان پیشین نیز گفتم، ولی آنان توجهی نکردند. اگر شما بخواهید

من نشانی آن جزیره را به شما خواهم داد...



آن شب تا نزدیک صبح در قصر قدم می‌زد و فکر می‌کرد:

— می‌توانم تا سال بعد در این قصر در کمال آسایش زندگی کنم و از حکومت لذت ببرم.

الآن همه چیز شهر در اختیار من است. اصلاً دلیلی ندارد با فکر کردن به آینده خودم را ناراحت

کنم....

اما فقط یک سال؟! بعد از آن چه کار کنم؟ اگر بخواهم این یک سال را به خوشگذرانی

بپردازم، در آن جزیره بدون آب و غذا، بدون خانه و سرپناه، چگونه زندگی کنم؟

انتخاب سختی بود. آسایش یک ساله و رنج همیشگی یا یک سال زحمت و در عوض راحتی

همیشگی؟

بالآخره نزدیک صبح تصمیمش را گرفت.

از فردای آن روز، درکنار رسیدگی به کارهای مردم و تلاش صادقانه برای حل مشکلات آنان،

با راهنمایی‌های پیرمرد دانا، چند دوست قابل اعتماد پیدا کرد و برنامه‌اش را برای آنها توضیح داد.

او تمام هدایایی را که مردم شهر می‌آوردند، به دوستان نزدیکش می‌داد تا با آنها برایش مصالح

ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفند خریداری کنند. او هیچ چیز از اموالش را در

قصر نگه نمی‌داشت.

از آن پس هر چند روز یک‌بار، بدون اینکه کسی خبردار شود، یک کشتی از ساحل شهر به

جزیره می‌رفت و مصالح ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفندان را با خود به آنجا

می‌برد. کشاورزان و کارگران مورد اعتماد پادشاه نیز هر روز به همراه خدمتکاران نزدیک وی به

جزیره می‌رفتند و....



همه چیز طبق برنامه پیش می‌رفت تا اینکه یک شب:
 نیمه‌های شب ناگهان احساس کرد نمی‌تواند دستانش را حرکت دهد. چشمانش را که باز
 کرد با صحنه‌ی عجیبی روبرو شد. نگهبانان قصر دست و پای سلطان را بسته بودند و می‌خواستند
 او را با خودشان ببرند.
 — ببخشید جناب سلطان! دوره‌ی یکساله‌ی حکومت شما به پایان رسیده است و شما همین حالا
 باید به همراه ما بیاید.
 — کجا بیایم؟ من آماده نیستم. کمی به من فرصت بدهید.
 — متأسفانه چنین چیزی ممکن نیست.
 — پس لااقل بگذارید وسایل شخصی‌ام را بردارم...
 — خیلی متأسفم! ما چنین اجازه‌ای نداریم. دوره‌ی حکومت شما تمام شده و ما باید شما را در
 هر حالی که باشید به همراه خود ببریم.
 وقتی او را از درِ قصر بیرون می‌بردند، در میان جمعیت انبوهی که آمده بودند تا برای آخرین
 بار پادشاه را ببینند، چشمش به پیرمرد دلسوز و دانا افتاد که با رضایت به او نگاه می‌کرد.



همین که کشتی به جزیره رسید، مأموران، سلطان را نزدیک ساحل به آب انداختند و بازگشتند. آنها نمی‌دانستند که در این شب تاریک، عده‌ی زیادی در جزیره منتظر ورود دوست عزیزشان، یعنی پادشاه هستند و قصر بزرگ و زیبای او را که در میان باغی قرار داشت برای آمدنش آراسته‌اند.

سال‌ها بعد، مردم آن شهر بزرگ از دریانوردان می‌شنیدند که در وسط دریا شهری زیبا و بی‌نظیر هست که...^۱



فعالیت کلاسی

الف: به نظر شما اگر پادشاه زیرک به جای کار و زحمت یکساله، خوشگذرانی و زندگی راحت در قصر را انتخاب می‌کرد، داستان ما چگونه به پایان می‌رسید؟

ب: اگر کمی فکر کنیم درمی‌یابیم که داستان زیرک شباهت‌های زیادی با زندگی خود ما در دنیا دارد. این شباهت‌ها را پیدا کنید و مانند نمونه، جاهای خالی زیر را پر کنید:

۱- زیرک که اولین بار به آن شهر آمده بود، به راهنمایی نیاز داشت. ما نیز که تنها یک بار به این دنیا می‌آییم، برای خوشبختی نیازمند راهنمایی پیامبران هستیم.

۲- او می‌توانست تمام وقتش را به استراحت در قصر بپردازد.

ما نیز ممکن است

۳- زمان پادشاهی‌اش خیلی زود سپری شد.

۴- اصلاً گمان نمی‌کرد که نگهبانان ناگهان نیمه‌شب به سراغش بیایند.

۵- نگهبانان هنگام رفتن به او اجازه‌ی هیچ کاری را ندادند.

۱- اقتباس از کتاب منازل الاخرة شیخ عباس قمی با تغییر.

۶- او در آن جزیره زیبا در جایی زندگی می کرد که خودش ساخته بود.

۷- اگر مسافر داستان ما وارد این شهر نمی شد، هرگز نمی توانست روزی پادشاه جزیره زیبا و ساکنان آن شود.

ج: به نظر شما چه شباهت‌های دیگری بین داستان زیرک و زندگی ما در این دنیا وجود دارد؟

سرانجام زندگی

می دانید قهرمان داستانی که خواندیم کیست؟ این داستان تنها یک قهرمان ندارد؛ بلکه هر کدام از ما می توانیم نقش این پادشاه را در زندگی خود بازی کنیم. همان گونه که دیدیم حالت پادشاهان مختلف در هنگام رفتن از شهر به سوی جزیره با یکدیگر متفاوت بود. وضعیت ما انسان‌ها نیز در هنگام رفتن از این دنیا با انسان‌های دیگر متفاوت است. خداوند حکیم در قرآن می فرماید:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ
حالی پاکند فرشتگان جانشان را
می گیرند [و به آنان]
می گویند: سلام و درود بر شما.
ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون^۱
[اکنون وقت آن است] به خاطر
کارهای [نیک]تان وارد بهشت شوید.

۱- سوره نحل، آیه ۳۲.

و در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید:

... إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ

هنگامی که فرشتگان جان

کافران را می‌گیرند

به صورت و پشت‌هایشان می‌زنند

و [به آنان می‌گویند]: عذاب

سوزان را بچشید.

يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ

وَ ذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ^۱

به مفهوم این دو آیه توجه کنید.

از مقایسه این دو آیه چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

کسانی که در زندگی خود به خدا و پیامبرانش ایمان دارند و به فکر زندگی پس از مرگ هستند، مانند پادشاه زیرک‌اند که رفتن از شهر، هیچ ترسی برایش نداشت؛ چرا که می‌دانند در زندگی جدید خود نیز در آرامش و راحتی به سر خواهند برد.

اما کافران و بدکارانی که تمام زندگی خود را به خوشگذرانی و تفریح در دنیا می‌پردازند و برای سفر خود توشه‌ای آماده نمی‌کنند، اصلاً دوست ندارند از این دنیا بروند؛ زیرا می‌دانند مرگ برای آنها به معنای پایان خوشی‌ها و سرآغاز سختی‌هاست.

اکنون این پرسش باقی می‌ماند که ما باید در دنیا چه کارهایی انجام دهیم تا هنگام سفر به جهان آخرت با سلام و درود فرشتگان روبه‌رو شویم؟
در درس بعد به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.



خودت را امتحان کن

۱- چرا پادشاه زیرک از رفتن به جزیره هیچ ترسی در دل نداشت؟

۲- مرگ برای چه کسانی وحشتناک و ناخوشایند است؟ چرا؟

۳- حالت مؤمنان و کافران را در هنگام مرگ توضیح دهید.

۱- سوره انفال، آیه ۵۰.

عني
الصلوة



راه سعادت مندی

مردی از ابوذر پرسید: چرا ما از مرگ می‌ترسیم؟
ابوذر جواب داد:
زیرا شما دنیایتان را آباد کرده‌اید و آخرتتان را خراب و معلوم است که دوست
ندارید از آبادانی به ویرانی بروید^۱

در درس پیش دانستیم که حالت انسان‌ها در هنگام روبه‌رو شدن با مرگ یکسان نیست و احساس هر کس متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است. همان‌طور که عده‌ای از روبه‌رو شدن با مرگ وحشت می‌کنند، عده دیگری هم هستند که مرگ برایشان مانند رفتن به مراسم اهدای جایزه‌هاست. اما علت این تفاوت چیست؟ ما در این درس به بررسی کارهایی می‌پردازیم که انجام آنها موجب آسانی یا سختی زندگی در جهان آخرت می‌شود.



۱- نیکی به پدر و مادر

«مداوا دیگر فایده‌ای ندارد! بیماری آن قدر پیش رفته است که امیدی به بهبودی نیست.»

هنوز این جملات طبیب، تمام نشده بود که جوان دوباره به هوش آمد:

«نه! نه! ... کمک! کمک کنید! ... شما را به خدا نجاتم دهید...»

با وحشت به اطرافش نگاه می‌کرد و فریاد می‌کشید. این چندمین بار بود که تا به هوش می‌آمد با التماس کمک می‌خواست. گویا در این لحظات پیش از مرگ، چیزهایی را می‌دید که نمی‌توانست آنها را به زبان بیاورد و این بار هم پس از مدت کوتاهی دوباره از شدت ترس بیهوش شد...



«یا رسول‌الله، جوان مسلمانی با وضعی رقت‌انگیز در حال جان دادن است. اگر به خانه‌اش

بیایید و برایش دعایی کنید، شاید آسوده شود!»

پیام‌آور رحمت و مهربانی به خانه جوان آمد. جوان به هوش آمد و تا چشمش به چهره نورانی

و مهربان پیامبر اکرم افتاد با التماس گفت: ای رسول خدا، کمکم کن! باز هم آن دو موجود



وحشتناک می‌آیند. آنها می‌خواهند مرا با خود به دوزخ ببرند. می‌دانم زمان مرگم فرا رسیده است، به فریادم برس و مرا از دست آنها رها کن. خواهش می‌کنم...
و دوباره بیهوش شد.

رسول خدا رو به مادر آن جوان کرد و فرمود:

- از پسرت ناراضی هستی. همین‌طور است؟

بغض مادر ترکیب و با صدای بلند شروع به گریه کرد:

- یا رسول‌الله، من برای بزرگ کردن پسرم خیلی زحمت کشیدم و رنج بردم. چه شب‌ها که بیدار ماندم تا او بخوابد. خود گرسنه می‌ماندم و غذایم را به او می‌دادم. با این همه وقتی به سنّ جوانی رسید زحمت‌های مرا یکسره فراموش کرد و با پرخاش و تندگی با من سخن گفت و احترامم را نگاه نداشت. حتی گاهی هم زبان به دشنام می‌گشود. ای پیامبر خدا، او دلم را شکسته است و من نیز از او به خدا شکایت کرده‌ام.

رسول خدا فرمود: از او راضی شو.

مادر رنج دیده نگاه ترحم‌آمیزی به فرزندش افکند و گفت: خدایا، به خاطر پیامبر گرامی تو فرزندم را بخشیدم، تو هم او را ببخش.

پیامبر برای جوان از خدا طلب آمرزش کرد.

دعای پیامبر و رضایت مادر کار خود را کرد. جوان در آخرین لحظه‌های عمرش دوباره چشمش را باز کرد و با تبسم گفت: یا رسول‌الله، آن دو موجود ترسناک رفتند و حالا دو فرشته زیبا و خندان به سوی من می‌آیند. سپس به یگانگی خدا و پیامبری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله گواهی داد و با لبخند، برای همیشه چشمانش را بست.^۱



امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر کس پیوند خود را با بستگانش محکم کند و با پدر و مادرش بسیار خوش‌رفتار و مهربان باشد، دشواری‌های مرگ بر او آسان می‌شود و در دنیا نیز هرگز فقیر و تهی دست نمی‌شود.^۲

۱- آمالی مفید، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۶.



- ۱- ما چگونه می‌توانیم پدر و مادرمان را از خود راضی نگه داریم؟
 - ۲- چه کارهایی باعث رنجش و ناراحتی آنها از ما می‌شود؟
- درباره این پرسش‌ها در کلاس گفت‌وگو کنید و نتیجه این گفت‌وگو را با پدر و مادر خود در منزل در میان بگذارید.

۲- نماز اول وقت

رسول گرامی اسلام فرموده است:

پروردگارتان می‌فرماید: هر کس به نمازهای پنج‌گانه‌اش اهمیت دهد و آنها را در وقت خود بخواند، من قول می‌دهم در روزی که به ملاقات من می‌آید او را به بهشت ببرم.^۱

شاید از خودمان بپرسیم چطور چنین چیزی ممکن است؟
پاسخ این سؤال را می‌توانیم در قرآن کریم ببینیم:

... وَاقِمِ الصَّلَاةَ
إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.^۲
و نماز را به پا دار
که بدون شک نماز [انسان را]
از گناهان و زشتی‌ها بازمی‌دارد.

برپا داشتن درست و به موقع نمازها باعث می‌شود انسان از گناهان و زشتی‌ها دور شود. هر قدر انسان از گناه دور شود به بهشت نزدیک‌تر می‌شود.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۱- وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳- خوش اخلاقی

به رسول خدا خبر دادند که سعد بن معاذ^۱ از دنیا رفته است. ایشان در تشییع جنازه سعد حاضر شد و با پای برهنه یک گوشه تابوت او را به دوش گرفت. هنگامی که به قبرستان رسیدند با دست مبارکش او را در قبر گذاشت و بر وی خاک ریخت. از پیامبر اکرم شنیدند که می فرمود: جبرئیل را دیدم که با فرشتگان دیگر در تشییع جنازه سعد حاضر بودند. مادر سعد که این رفتار پیامبر خدا را دید رو به قبر پسرش کرد و گفت: ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد!

رسول خدا فرمود: این قدر با اطمینان سخن مگو؛ سعد اکنون از فشار قبر در آزار است. اصحاب با تعجب علت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: علت فشار قبر سعد این است که او با خانواده اش در خانه بداخلاقی می کرد.^۲



۱- سعد از دوستان و اصحاب نزدیک پیامبر اکرم بود.

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۰.



رفتار اشخاص بد اخلاق و خوش اخلاق را در هر یک از موارد زیر با هم مقایسه کنید:

خوش اخلاق:	فقیری از او کمک می خواهد.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	مادرش از او می خواهد در انجام کاری کمکش کند.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	کسی نسبت به او اشتباهی کرده و از او عذر خواهی می کند.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	در یکی از مسابقات کسی او را هل می دهد.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	دوستی از او می خواهد بخشی از درس را برایش توضیح دهد.
بد اخلاق:	
خوش اخلاق:	وقتی عصبانی می شود.
بد اخلاق:	

آنچه در این درس خواندیم، بخشی از کارهای نیک بودند که باعث آسانی مرگ و زندگی پس از آن می شوند. البته کارهای نیک بسیاری وجود دارند که انجام آنها می تواند پاداش بزرگ خداوند را در هنگام انتقال از این جهان به دنبال داشته باشد. این کارها به صورت کلی عبارتند از انجام واجبات و ترک گناهان.

از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام پرسیدند: شما چگونه خود را برای مرگ آماده

کرده‌اید که از آن هراسی ندارید؟ امام علیه‌السلام فرمود:

کسی که از گناهان بپرهیزد و به واجباتش عمل کند و خود را به اخلاق نیکو زینت دهد، دیگر برایش فرقی ندارد چگونه بمیرد. به خدا قسم برای پسر ابوطالب فرقی ندارد که او به سراغ مرگ برود یا اینکه مرگ به سراغش آید.^۱



خودت را امتحان کن

- ۱- با توجه به حدیث امام صادق علیه‌السلام نیکی به پدر و مادر چه تأثیری بر زندگی ما در دنیا و آخرت دارد؟
- ۲- علت آزار و فشار قبر سعدبن معاذ چه بود؟
- ۳- توضیح دهید که اقامه به موقع نماز، چگونه انسان را به بهشت می‌رساند؟

بیشتر بدانیم



بعضی از مردم خیال می‌کنند که نیکی به والدین فقط در زمان زندگی آنان ممکن است و اگر پدر و یا مادر کسی از دنیا بروند، دیگر نمی‌توان برای آنها کاری کرد. اما این تصور درست نیست. ما انسان‌ها همان‌گونه که می‌توانیم افراد زنده را از خودمان خشنود و یا آزرده خاطر سازیم، می‌توانیم با کارهایمان مردگان را نیز شاد یا اندوهناک سازیم. ماجرای زیر نمونه‌ای از نیکی به والدین پس از مرگ آنهاست:

روزی حضرت عیسی علیه‌السلام از قبرستانی می‌گذشت. در کنار قبری صدای ناله صاحب قبر را شنید که به خاطر گناهانش در عذاب بود. عیسی علیه‌السلام به راه خود ادامه داد و از قبرستان گذشت. یک سال بعد اتفاقاً از همان مکان عبور

۱- آمالی صدوق، ص ۹۷.

می‌کرد که متوجه شد خبری از عذاب نیست و دیگر صدایی از قبر نمی‌آید. گفت: پروردگارا! پارسال که از اینجا می‌گذشتم، صاحب این قبر در عذاب بود ولی اکنون خبری از عذابش نیست. علت چیست؟ خداوند به ایشان وحی فرمود:

«این مرد فرزند صالحی دارد که به تازگی بزرگ شده است. او در این مدت دو کار نیک انجام داده است، اول این که راه عبور مردم را که خراب شده بود، درست کرده و مشکل مردم را حل کرده است. دوم این که به تازگی یتیمی را پناه داده است. من به خاطر اعمال صالح این فرزند، پدرش را بخشیدم و او را از عذاب نجات دادم.»^۱

حالا خودتان قضاوت کنید، آیا کسی که بعد از فوت پدر و مادرش برای آنها دعا می‌کند، قرآن می‌خواند و یا کارهای خیر دیگری را انجام می‌دهد با کسی که پس از مرگ والدینش آنها را فراموش کرده و حتی با کارهای بد آنان را آزار هم می‌دهد، مساوی هستند؟

پیشنهاد



فکر می‌کنید کسانی که از این دنیا رفته‌اند چه انتظاری از فرزندان خود دارند؟ برای پاسخ به این پرسش از پدر یا مادر کمک بگیرید و پاسخ را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

در سال گذشته با تأثیر سرمشق زیبا در زیبانویسی آشنا شدیم و دانستیم که پیامبران و اولیای خدا سرمشق‌های مناسبی هستند که توجه به زندگی آنها و پیروی از ویژگی‌های رفتاری آنان می‌تواند بهترین راهنمای ما در راه رسیدن به هدف الهی‌مان باشد.

اما پرسشی که در این فصل به آن می‌پردازیم این است که وظیفه ما در برابر این الگوها چیست؟

فصل حاضر دو درس دارد که به ترتیب عبارت‌اند: زیارت اولیای خدا و خورشید پنهان.

❁ درس نهم (زیارت اولیای خدا) با بررسی برخی ثمرات

زیارت به ما نشان می‌دهد که اولیای خدا نه تنها در زمان زندگی، بلکه پس از رحلتشان نیز کانون برکت و رحمت برای مؤمنان هستند. این درس در ادامه به آداب زیارت اشاره می‌کند و شیوه انجام غسل را به ما آموزش می‌دهد.



❁ درس دهم (خورشید پنهان) رویدادهای پس از ظهور

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را توصیف می‌کند و با تبیین معنای درست انتظار، به معرفی ویژگی‌های منتظران واقعی ظهور ایشان می‌پردازد.





زیارت اولیای خدا

پیامبران و امامان — که درود خداوند بر آنان باد — برای هدایت و نجات انسان‌ها هرگونه مشکل و سختی را به جان خریدند و در این راه حتی از جان خود و نزدیکانشان نیز گذشتند. ماجرای شهادت امام حسین علیه‌السلام و اصحاب بزرگوارش در کربلا نمونه‌ای از این فداکاری بی نظیر است.

اما تا حالا فکر کرده‌اید در عوض این همه فداکاری، ما برای آنها چه کرده‌ایم؟



خداوند حکیم در کتاب هدایتش می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ أَيْ پیامبر! به مردم بگو من برای این [ازحمات رسالتم] از شما مزدی نمی‌خواهم
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ جَز دوست داشتن خویشاوندان نزدیکم.

به نظر شما اکنون که پیامبران و امامان در بین ما نیستند و از دنیا رفته‌اند، ما چگونه می‌توانیم با آنان مهربان باشیم؟



زیارت مزار اولیای خدا و دعا
برای آنها یکی از بهترین راه‌های
قدردانی از زحمات آنهاست.
این عمل ارزشمند تنها مخصوص
ما نبوده و بزرگان دین، خود نیز به
زیارت دوستان خدا می‌رفتند. رسول
گرامی اسلام و دختر بزرگوارش
در هر هفته، روزهای دوشنبه و
پنجشنبه به زیارت مزار شهدای احد
می‌آمدند و برایشان دعا می‌کردند و
نماز می‌خواندند.^۱
حال آیا زیارت علاوه بر قدردانی
از دوستان خدا ثمرات دیگری هم
دارد؟

ثمرات زیارت

اولین بار بود که از طرف مدرسه
به مشهد می‌آمدم. بعد از استراحت غسل زیارت کردیم، لباس‌های تمیزمان را پوشیدیم، وضو
گرفتیم و به طرف حرم راه افتادیم.
نزدیک اذان ظهر بود و در صحن، کم‌کم صف‌ها را برای نماز مرتب می‌کردند.
خانم بینا گفت: بچه‌ها اول نماز می‌خوانیم، بعد به زیارت می‌رویم.
ما هم در یکی از صف‌ها نشستیم.
نرگس که مثل من برای اولین بار با همکلاسی‌ها به مشهد می‌آمد، گفت: اصلاً فکر نمی‌کردم
این قدر خوش بگذرد، من سال دیگر هم برای اردوی مشهد ثبت‌نام می‌کنم. در هیچ سفری
این قدر به من خوش نگذشته بود.
خانم بینا که داشت زیر لب ذکر می‌گفت، با شنیدن این جمله کمی سکوت کرد و سپس
گفت: بچه‌ها! مسافرت با دوستان همیشه خوب و لذت‌بخش است، اما باید حواستان باشد که

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۳.

این سفر فقط برای تفریح نیست و فایده‌های دیگری هم دارد که از گردش و تفریح خیلی مهم‌تر است.

نرگس پرسید: ببخشید خانم، منظورتان چه فایده‌هایی است؟

خانم بینا گفت: شما با چه هدفی به زیارت آمده‌اید؟

— خانم راستش را بخواهید من آمده‌ام از امام رضا بخواهم برای من و خواهرم دعا کند تا در امتحانات آخر سال قبول بشویم.

— این یکی از فایده‌های زیارت است. ما همیشه و در همه کارها نیازمند یاری و کمک خداوند هستیم و به همین دلیل هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، دست نیاز به طرف خداوند دراز می‌کنیم و از او یاری می‌جوییم. یکی از بهترین راه‌های کمک خواستن از خدا هم این است که به سراغ پیامبران و امامان برویم و از آنها بخواهیم برای ما دعا کنند؛ چرا که آنان از همه نیکوکارترند و خداوند نیز به دعای آنان توجه بیشتری دارد. البته دعا کردن به تنهایی برای حل مشکلات ما کافی نیست و باید برای رسیدن به هدفی که داریم تمام توان خود را نیز به کار گیریم.

حالا به نظر شما زیارت چه فایده‌های دیگری دارد؟

ریحانه گفت: خانم من در حدیثی خوانده‌ام اگر کسی به زیارت امامان و پیامبران برود، خداوند گناهایش را می‌بخشد و دعاهایش را مستجاب می‌کند.

خانم بینا گفت: آفرین. این یکی دیگر از فایده‌های مهم زیارت است. اما مهم‌ترین و ارزشمندترین فایده زیارت، ایجاد انس و محبت بین ما و اولیای خداست که باعث می‌شود ما در زندگی از آنها الگو بگیریم.

زیارت باعث می‌شود محبت دوستان خدا در دل ما بیشتر شود و آنان نیز ما را بیش از پیش دوست بدارند. حالا خودتان بگویید، اگر ما کسی را واقعاً دوست داشته باشیم، می‌توانیم با کارهای ناپسند او را از خود رنجیده و دلگیر کنیم؟

روشن است که هر قدر محبت و معرفت^۱ ما نسبت به بزرگان دین بیشتر شود، اعمال ما نیز بهتر خواهد شد و در نتیجه از پاداش‌های بزرگ‌تر و ارزشمندتری نزد خداوند بهره‌مند خواهیم شد.

سخن خانم بینا که به اینجا رسید، صدای اذان از مناره‌های بلند حرم در فضا پیچید. خانم بینا گفت: خوب بچه‌ها، ان‌شاءالله روزهای بعد دربارهٔ بقیهٔ فایده‌های زیارت با هم بیشتر صحبت می‌کنیم. حالا بهتر است صف‌هایتان را مرتب کنید....

۱- معرفت: شناخت آنها و توجه به وظیفهٔ خودمان نسبت به آنان.

امام باقر علیه‌السلام به یکی از یاران خود می‌فرماید:

سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان بگو هرگز به پادشاهای الهی و ولایت ما نخواهند رسید، مگر با پرهیزکاری و عمل صالح!

فعالیت کلاسی

به نظر شما امام رضا علیه‌السلام از دیدن کدام یک از کارهای زائران خود بیشتر خشنود می‌شوند؟ به چند نمونه از این کارها اشاره کنید.

آداب زیارت

آداب زیارت به کارهای مستحبی گفته می‌شود که ما با انجام آنها در زیارتگاه‌ها، بیشتر مورد لطف و توجه دوستان خدا قرار می‌گیریم.
در زیارتنامه پیامبر اکرم و امامان معصوم علیه‌السلام می‌خوانیم:

من گواهی می‌دهم که تو اکنون مرا می‌بینی و صدایم را می‌شنوی و جواب سلام مرا می‌دهی و از حال من باخبری.

برای همین است که به ما سفارش شده است:

- ۱- قبل از زیارت غسل کنیم،
- ۲- در زیارتگاه‌ها با لباس تمیز و پاک حاضر شویم،
- ۳- از سخنان بیهوده و کارهای زشت پرهیزیم،
- ۴- آرامش خود را حفظ کنیم،

۵- با وضو به زیارت برویم، و

۶- مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکنیم.

همان طور که گفته شد یکی از آداب زیارت که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است، غسل زیارت است. حال باید بدانیم، چگونه غسل کنیم:

شیوه انجام غسل

غسل کردن چهار مرحله دارد.

۱- ابتدا باید نیت کنیم. یعنی قصد داشته باشیم برای خشنودی خداوند، غسل کنیم.

۲- سپس باید سر و گردن خود را کاملاً بشوییم (البته در این مرحله لازم نیست وقتی که سرمان را می‌شوئیم داخل گوش و بینی و دهانمان را بشوییم؛ بلکه شستن همان مقداری از سر و صورت که دیده می‌شود، برای غسل کافی است).

۳- پس از شستن سر و گردن، باید طرف راست بدن را شست و شو دهیم؛ یعنی از بالای شانه راست تا کف پای راست را کاملاً بشوییم. در این مرحله باید طرف راست شکم، سینه و کمر، تمام پای راست و تمام دست راست شسته شود.

۴- پس از این مرحله، باید طرف چپ بدن را نیز مانند طرف راست بدن کاملاً شست و شو دهیم.

به یاد داشته باشیم:

• تمام غسل‌های واجب و مستحب به همین صورت انجام می‌شود و تنها نیت‌های آنها با یکدیگر متفاوت است.

• با توجه به اینکه در غسل باید آب به تمام اعضای بدن برسد، اگر چیزی به بدن چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد، باید قبل از شروع غسل، آن را برطرف کنیم.

• برای اینکه مطمئن شویم هر طرف کاملاً شسته شده، لازم است کمی از طرف دیگر را نیز در هر مرحله شست و شو دهیم.

بیشتر بدانیم

دعای امامان برای زائران

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام می‌گوید:

برای کاری به خانه آن حضرت رفتیم. گفتند امام مشغول نماز و مناجات است. وارد

شدم و گوشه‌ای نشستم تا دعایشان تمام شود. شنیدم که در مناجات با پروردگار می‌گفت:

«... خدایا، زائران قبر پدرم حسین را ببخش؛ همان کسانی که برای زیارت ما اموالشان را خرج و بدن‌هایشان را خسته کردند. کسانی که با نیکی به ما، قلب پیامبرت را شاد کردند. خدایا، آنان برای خشنودی تو و رسالت این سختی‌ها را به جان خریدند، پس تو هم شب و روز حافظ آنان باش و خانواده‌ها و فرزندان‌شان را برایشان نگاه‌دار و همواره کنارشان باش و آنان را از شر هر زورگوی گردنکش و هر شیطانی حفظ کن. خدایا، هر حاجت و آرزویی دارند به بهترین شکل برایشان برآورده ساز و...»^۱



- ۱- مهم‌ترین فایدهٔ زیارت چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- به چه کارهایی آداب زیارت گفته می‌شود؟ به سه مورد از این آداب اشاره کنید.
- ۳- شیوهٔ صحیح غسل کردن را توضیح دهید.

پیشنهاد



در کتاب مفاتیح‌الجنان بخشی از کتاب به آداب زیارت اختصاص یافته است. شما می‌توانید با کمک پدر یا مادر این بخش را مطالعه کنید و چند مورد از آداب زیارت را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

الہی

الہی
تو راساس،
سپاس کہ آشنایی با محمد و آل او را روزی ام ساختی
و محبت آمان را در قلم انداختی
و مہرابہ دوستی شان برگزیدی
خداوند،
ای کہ چشم را بہ زیارت آرامگاہ شان منور ساختی
دلم را از پر تو مجتہان سیراب ساز
و ہمراہی شان را در قیامت نصیم کن.
الہی یاری ام کن کہ در راہ رضای آمان
کہ رضای تو ست بگو شتم
و از دستان مہربان شان
شہرت زلال ایمان بو شتم





خورشیدپنهان

«... از امروز یک هفته فرصت دارید!
هر روز مهمترین سرخط یکی از روزنامه‌ها را یادداشت کنید. اگر هم نتوانستید روزنامه تهیه کنید، هر شب یکی از خبرهای مهمی را که در اخبار تلویزیون می‌بینید به صورت خلاصه یادداشت کنید.
برای جلسه بعد یادداشت هایتان را به همراه خود بیاورید.»

این دیگر چه تکلیفی است؟
چه ربطی به کلاس دینی ما دارد؟
وقتی آقای رسولی (معلم دینی ما) این تکلیف عجیب را برای جلسه بعد معین کرد، هیچ‌کدام از ما منظور او را از انجام این تکلیف نمی‌دانستیم. تنها می‌توانستیم حدس بزنیم که این تکلیف به درس هفته آینده مربوط می‌شود ...



هفته بعد وقتی کلاس شروع شد، آقای رسولی از چند نفر خواست تا اخبار برگزیده خود را با صدای بلند برای دوستانشان بخوانند.

- ۱- نبرد خونین بین نظامیان دو کشور
- ۲- تولید خودروهایی با انرژی خورشیدی
- ۳- گرسنگی میلیون‌ها نفر در آفریقا



- ۴- پرتاب ماهواره مخابراتی به فضا
 - ۵- حمله نژادپرستان به سیاهپوستان
 - ۶- تخریب مزارع فلسطینیان و اخراج آنها از خانه‌هایشان توسط نظامیان صهیونیست
 - ۷- پیروزی تیم ملی فوتبال در مسابقات آسیایی
 - ۸- رشد بی‌رویه آمارهای طلاق، خشونت و اختلاف‌های خانوادگی
- -



این‌ها اخباری بود که در یادداشت‌های بیشتر دانش آموزان دیده می‌شد. وقتی خواندن بخشی از یادداشت‌ها به پایان رسید، آقای رسولی گفت: بچه‌ها؛ شنیدن این خبرها چه احساسی را در شما به وجود می‌آورد؟ محسن گفت: آقا اجازه؛ درست است که چند خبر خوب هم در این خبرها وجود داشت، اما بیشتر اخبار ناامید کننده و ناراحت کننده بود.



آقای رسولی گفت: هر انسانی با شنیدن این اتفاقات تلخ دچار یأس و ناامیدی می‌شود، اما من به آینده خوش بین هستم. یادداشتی که من دارم کاملاً با اخبار شما متفاوت است. خوب است ببینیم آیا شما هم با گوش کردن به این اخبار با من هم عقیده می‌شوید یا نه؟ بعد از این گفتگو آقای رسولی یادداشتش را برای ما خواند:

«... عدالت سراسر جهان را فرا گرفته است و خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست. علم و دانش آنچنان شکوفا شده است که تمام پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ در برابر آن ناچیز است. به همین دلیل کسی از بیماری‌های ناشناخته نمی‌میرد. دیگر دادگاه‌ها و زندان‌ها شلوغ نیست. دلیلش هم معلوم است، فهم انسان‌ها آن قدر رشد کرده است که کمتر دیده می‌شود کسی به حقوق دیگران دست درازی کند. راستی؛ چند وقتی است که می‌خواهم مقداری پول را به فرد مستمندی بدهم. این روزها دیگر نمی‌شود انسان فقیری در جامعه دیده نمی‌شود.»

انسان‌ها دیگر در برابر یک مجسمه سنگی و یا انسان دیگری مانند خودشان سجده نمی‌کنند. از آسمان و زمین برکت می‌بارد. نه خشکسالی هست و نه گرسنگی. همه جا سرسبز و خرم است. ای کاش مردم همه زمان‌ها اکنون اینجا بودند و با شادی و خوشبختی در کنار هم زندگی می‌کردند...»^۱

سخن آقای رسولی که به اینجا رسید دیگر همه بچه‌ها می‌دانستند که این گزارش مربوط به چه زمانی است. این‌ها اتفاقاتی بود که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام روی می‌دهند. پیام پیامبر اکرم صل الله علیه و آله می‌فرماید:

شما را بشارت باد به مهدی، مردی از خاندان من، در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند قیام می‌کند و زمین را همچنان که از جور و ستم پر شده، از عدل و داد آکنده می‌سازد.^۲

این همان زمانی است که ایشان حکومت عدل جهانی را به وجود آورده و با این کار آرزوی تمامی پیامبران و مؤمنان تاریخ را برآورده می‌سازد. بعد از سخنان آقای رسولی محمد دستش را بالا آورد و گفت: «آقا اجازه آیا این درست است که می‌گویند وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند بیشتر مردم کشته می‌شوند؟» آقای رسولی جواب داد: نه پسر! واقعیت این است که پیش از آمدن ایشان ظلم و خونریزی سراسر جهان را فرا گرفته است و حاکمان بی‌رحم هرکسی را که مخالف منافع خود ببینند از بین می‌برند. در این شرایط است که خداوند، امام علیه السلام را برای پایان دادن به جنگ و بی‌عدالتی به میان مردم می‌فرستد. بنابراین امام زمان جنگی به پا نمی‌کند، بلکه با شکست حاکمان ظالم،

۱- برگرفته از روایات ظهور، بحارالانوار ج ۵۳.

۲- کنز العمال، ۳۸۶۵۳.



به جنگ‌های همیشگی پایان می‌دهد.
امیر که با دقت به سخنان آقای رسولی گوش می‌کرد اجازه گرفت و پرسید: آیا بعد از قیام
امام زمان همه مردم مسلمان می‌شوند؟
آقای رسولی جواب داد: وقتی امام زمان علیه السلام می‌آیند، بسیاری از پیروان ادیان دیگر
به ایشان می‌پیوندند و مسلمان می‌شوند، اما عده‌ای هم که می‌خواهند به دین سابق خود باقی
بمانند، مانند زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آزادانه به دین خود عمل می‌کنند. در احادیث
می‌خوانیم که اگر بین مردم غیر مسلمان اختلافی به وجود بیاید، امام علیه السلام براساس احکام
دین خودشان بین آنها حکم می‌کند. این نشان می‌دهد که آنان مسلمان نیستند و گرنه باید طبق
احکام اسلام با آنها رفتار شود.
در این هنگام آرمان که کنار من نشسته بود گفت: آقا اجازه، من شنیده‌ام که بعد از شکست



حاکمان ظالم و پیروزی امام زمان علیه السلام، جهان به پایان می‌رسد و روز قیامت فرا می‌رسد. این درست است؟

آقای رسولی لبخندی زد و گفت: نه جانم؛ قیام امام برای این است که سرنوشت مردم در دست نیکوکاران و عدالت جویان قرار گیرد و مردم جهان پس از هزاران سال به خوشبختی و آرامش برسند. حال اگر بلافاصله جهان به پایان برسد، آمدن امام علیه السلام چه سودی برای مردم دارد؟ در احادیث^۱ می‌خوانیم حکومت امام زمان علیه السلام سال‌ها ادامه خواهد داشت و پس از ایشان نیز صالحان دیگری اداره جهان را به دست خواهند داشت.

صحبت که به اینجا رسید، سعید گفت: آقا اجازه امام مهدی چه وقتی می‌آیند؟ آقای رسولی گفت: بچه‌ها خوب دقت کنید، سؤالی که سعید پرسید سؤال بسیار مهمی است، چرا که هر چند وقت یک بار می‌شنویم که اشخاصی در کشورهای مختلف ادعا می‌کنند که با امام زمان ارتباط دارند و در بین مردم شایعه می‌سازند که امام زمان در فلان وقت ظهور خواهد کرد. حتی گاهی افراد دروغگو و پرادعایی پیدا می‌شوند که پا را از این فراتر می‌گذارند و ادعا می‌کنند خودشان امام زمان هستند.

این شایعات در حالی مطرح می‌شوند که در احادیث اهل بیت پیامبر می‌خوانیم هر کس برای آمدن امام زمان علیه السلام وقتی را معین کند و یا ادعا کند ایشان را ملاقات می‌کند، دروغ‌گوست.^۲ روشن است که این ادعاها توسط عده‌ای شیاد و با هدف فریب و سوء استفاده از مردم ساخته می‌شود و انسان عاقل هرگز نمی‌تواند به این سخنان اعتماد کند.

صحبت آقای رسولی که تمام شد داوود گفت: ای کاش می‌شد کاری کنیم که امام مهدی زودتر بیاید.

آقای رسولی جواب داد: اتفاقاً ما می‌توانیم چنین کاری را انجام دهیم، می‌دانید چگونه؟ من دستم را بالا آوردم و گفتم: آقا اجازه؛ پدر من هر روز بعد از نماز برای آمدن امام مهدی علیه السلام دعا می‌کند. ما هم می‌توانیم همین



۱- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۰۳.

۲- کتاب الغیبه شیخ طوسی ص ۳۹۵.

کار را انجام دهیم.

آقای رسولی گفت: آفرین پسر، یکی از کارهای پسندیده دعا کردن است. در احادیث می‌خوانیم: برای تعجیل در فرَج^۱ بسیار دعا کنید، زیرا گشایش کارهای شما در آن است.^۲ البته ما می‌توانیم علاوه بر دعا کردن، با انجام کارهای پسندیده، مقدمات قیام امام را فراهم کنیم. در احادیث پیامبر اکرم و خاندان ایشان به این کار مهم انتظار فرج گفته می‌شود.

پیامبر اعظم صل الله علیه و آله می‌فرماید:

بهترین کارهای امت من انتظار فرج است.^۳

حالا فکر کنید؛ ما چگونه می‌توانیم منتظر این رویداد مهم باشیم؟ آیا همین که ما دست روی دست بگذاریم و بنشینیم تا امام مهدی علیه السلام خودشان قیام کنند و همه چیز را درست کنند، می‌توانیم خود را منتظر ایشان بنامیم؟ تصور کنید که پس از مدتی طولانی میهمان عزیزی را به خانه دعوت کرده‌اید و او تا ساعاتی دیگر به منزل شما خواهد آمد. برای پذیرایی و استقبال از او چه می‌کنید؟ آیا کسی که می‌داند میهمان بزرگی در راه است ولی برای پذیرایی از او هیچ برنامه‌ای ندارد، می‌تواند بگوید که من منتظر او هستم؟

حضرت امام رضا علیه السلام درباره وظایف منتظران واقعی می‌فرماید:

انتظار فرج به چند چیز است: صبور بودن، خوش رفتاری، همسایه داری، ترویج کارهای نیک، خودداری از آزار و اذیت دیگران، گشاده رویی، خیرخواهی و مهربانی با مؤمنان.^۴

۱- فرَج یعنی گشایش در کارها و برطرف شدن مشکلات. ۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲. ۴- تحف العقول، ص ۴۱۵.



در حدیث امام رضا علیه السلام به برخی از ویژگی های منتظران واقعی امام زمان علیه السلام اشاره شده است. شما نیز ویژگی های دیگری را برشمرده و درباره آنها در کلاس گفت و گو کنید.

کسی که تلاش می کند این صفات را در خودش ایجاد کند، در حقیقت بذر انتظار امام مهدی علیه السلام را در وجود خود می کارد. روشن است که وقتی بهار ظهور فرا می رسد، این بذرها جوانه می زند و دوستان واقعی امام عصر علیه السلام را از دیگران مشخص می کند.



- ۱- در چند جمله کوتاه، اتفاقات زمان قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توصیف کنید.
- ۲- به نظر شما چگونه می توانیم در قیام حضرت مهدی علیه السلام اثرگذار باشیم؟
- ۳- هدف نهایی از قیام امام مهدی علیه السلام چیست؟

الهی

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بَيْنَ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ
عَلَيْهِ وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ
سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا
حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا ۱

خداوند؛ در این ساعت و در همه زمان ما، مددکار و نگهبان و
رهبر و یاری‌گر و راهنما و دیده‌بان و ولی خودت حضرت حجت
ابن الحسن باش - که درودیت بر او و پدرانش باد - تا او را از
روی میل و رغبت مردم، در روی زمین سکونت دهی و او
را برای زمانی طولانی بهره‌مندسازی.



۱ - تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۲.

هر یک از ما انسان‌ها ویژگی‌های اخلاقی خاصی داریم که ممکن است خصوصياتی پسندیده یا ناپسند به شمار آید. نکته مهم این است که این ویژگی‌های اخلاقی تعیین‌کننده رفتارهای ما هستند و مثلاً از شخصی با ویژگی‌های بد نمی‌توان انتظار رفتار مناسب داشت. دین اسلام برای تربیت انسان و تصحیح اخلاق او برنامه‌هایی دارد که با برخی از آنها در سال پیش آشنا شدیم.

در این فصل به بررسی برخی ویژگی‌های اخلاقی می‌پردازیم که می‌توانند تأثیر زیادی بر سرنوشت ما داشته باشند. فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: شاخه‌ای از درخت بهشتی، عادت‌ها و آسیب‌ها و ارزش کار.

🌀 **درس یازدهم (شاخه‌ای از درخت بهشتی)** ضمن بررسی دو ویژگی سخاوت و بخل، تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها را بر زندگی انسان نشان می‌دهد و در ادامه به تبیین مرز میان سخاوت و اسراف می‌پردازد.



🌀 **درس دوازدهم (عادت‌ها و آسیب‌ها)** ابتدا به ما نشان می‌دهد که یک عادت چگونه به وجود می‌آید. این درس در ادامه به دو عادت کم‌طاقتی و افراط در سرگرمی‌ها پرداخته و در پایان به راه غلبه بر عادت‌های ناپسند اشاره می‌کند.



🌀 **درس سیزدهم (ارزش کار)** نقش کار کردن در زندگی انسان و فضیلت آن را در نگاه اسلام یادآوری می‌کند. سپس با طرح موضوع کسب و کار حرام به ما نشان می‌دهد که اموال حرام چگونه می‌تواند باعث نابودی دنیا و آخرت انسان شود.





شاخه‌ای از درخت بهشتی



همین که ابراهیم علیه‌السلام وارد خانه‌اش شد با تعجب چشمش به مردی افتاد که در خانه نشسته بود.

- ای بنده خدا، با اجازه چه کسی وارد خانه شدی؟

- با اجازه پروردگار خانه.

یعنی درست شنیده بود؟! دوباره سؤالش را تکرار کرد و مرد همان جواب را تکرار کرد. وقتی برای سومین بار این پرسش و پاسخ بین آنها ردوبدل شد، ابراهیم تازه فهمید با چه کسی سخن می‌گوید. جبرئیل، فرشته وحی و امین خداوند!

خداوند را سپاس گفت و منتظر ماند تا جبرئیل سخن بگوید.

- پروردگارت مرا به‌دنبال یکی از بندگانش فرستاده است تا او را به‌عنوان دوست صمیمی خود برگزیند.

— چه افتخار بزرگی! این فرد هر که هست خوشا به حالش! دوست صمیمی خدا؟! به من بگو
آن فرد کیست تا من همواره در خدمت او باشم.
— آن مرد خود تو هستی!
— من؟! انتخاب من به این مقام برای چیست؟
— برای دو ویژگی که داری. اول اینکه تاکنون هرگز از کسی چیزی درخواست نکرده‌ای^۱ و دوم
این که تاکنون هیچ کس از تو درخواست [بجا و شایسته‌ای] نکرده است، مگر اینکه خواسته‌اش
را برآورده ساخته‌ای.^۲

فوائد سخاوت

شما کدام را می‌پسندید؟

□ سخاوتمند و بخشنده!

□ بخیل و خسیس!

کسی را سراغ دارید که از افراد خسیس خوشش بیاید؟ آیا خود انسان خسیس از آدم‌های
خسیس دیگر خوشش می‌آید؟
خداوند ما را طوری آفریده است که اگر کسی به ما نیکی کند، او را دوست خواهیم داشت.
یکی از بهترین و ساده‌ترین راه‌های نیکی به دیگران نیز، بخشش به آنهاست. برای همین است که
می‌گویند اگر می‌خواهید کسی شما را دوست داشته باشد، به او هدیه‌ای بدهید.
آیا بخشش فقط همین یک فایده را دارد؟
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک
است و از آتش جهنم دور است و انسان بخیل از خداوند دور است، از بهشت دور
است، از مردم دور است و به آتش نزدیک است.^۳

۱- یعنی به کسی اظهار عجز و نیاز نکرده‌ای.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۰.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

صدقه دادن، یکی از ساده‌ترین نمونه‌های سخاوت است. به نظر شما این کار چه سودی برای شخص صدقه‌دهنده دارد؟ برای جامعه چطور؟

نمونه‌های بخشندگی

پیامبر اکرم می‌فرماید:

بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام کردن به دیگران بخل ورزد.^۱

سخاوت و بخل تنها در مسائل مالی نیست. سخاوتمندی این است که دیگران را از آنچه داریم بهره‌مند کنیم. مثلاً وقتی گفتن یک جمله تشکرآمیز و یک لبخند، خستگی را از تن پدر و مادرمان می‌زداید، آیا تشکر و لبخند ما به آنها سخاوت نیست؟ یاد دادن درس به دیگران، گفتن جملات تشکرآمیز به کسانی که برای ما زحمت می‌کشند و خوشرویی با نزدیکان، نمونه‌هایی از سخاوت هستند که می‌توانند ما را به بهشت نزدیک‌تر کنند. به همین دلیل است که امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

سخاوت درختی است در بهشت که شاخه‌هایش در دنیا است. پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت درآویزد، او را به بهشت خواهد رسانید.^۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷؛ جامع الصغیر سیوطی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- مُستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

اندازه نگهدار که اندازه نکوست!

به این آیه توجه کنید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا
لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا
وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا
[مؤمنان واقعی] کسانی اند که هنگام بخشش
نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند،
بلکه در میان این دو [معتدل و میانه‌رو] هستند.

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: روزی از ایشان پرسیدم منظور این آیه چیست؟

امام از روی زمین مشت سنگ‌ریزه برداشت و آن را محکم در دست گرفت، طوری که هیچ چیز از دستش فرو نریخت. سپس فرمود: این همان بخل‌ورزی است که خداوند فرموده است. سپس مشتش را کاملاً باز کرد، آن چنان که همه سنگ‌ریزه‌ها از لای انگشتانش بر زمین ریخت و چیزی در دستش نماند. بعد فرمود: این اسراف است. در آخر مشت سنگ‌ریزه را برداشت و دستش را کمی



باز کرد، مقداری از سنگ‌ریزه‌ها از دستش ریخت و مقداری هم در دستش باقی ماند. سپس فرمود: این میانه‌روی است.^۲



فعالیت کلاسی

الف: شما در زندگی خود چه نمونه‌های دیگری برای بخل و سخاوت می‌شناسید؟
ب: پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید. پاسخ هر پرسش در یکی

- از آیات بعدی بیان شده است. عدد هر آیه را کنار پرسش مربوط به آن بنویسید.
- چه کارهایی بخشش ما را باطل می کند؟ سوره آیه
 - چه چیزهایی را نباید به دیگران ببخشیم؟ سوره آیه
 - چگونه به مقام نیکوکاران می رسیم؟ سوره آیه
- ۱- به مقام نیکوکاری نخواهید رسید مگر اینکه از چیزهایی که دوست دارید به دیگران ببخشید.^۱
- ۲- ای کسانی که ایمان آوردید، صدقه‌های خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن [فقیران] باطل نکنید.^۲
- ۳- چیزهای بدی را که خودتان حاضر نیستید از کسی بگیرید، برای بخشیدن به دیگران انتخاب نکنید.^۳



- ۱- با توجه به حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه چیزی باعث نزدیک شدن انسان به خداوند و بهشت می شود؟ نتیجه بخل ورزیدن چیست؟
- ۲- آیا تنها انسان‌های ثروتمند می توانند سخاوتمند باشند؟ توضیح دهید.
- ۳- اسراف در سخاوت یعنی چه؟ دو نمونه آن را بیان کنید.

شما نیز داستان، شعر و یا ضرب‌المثلی دربارهٔ سخاوت نوشته و آن را در کلاس برای دوستانتان بازگو کنید.

۱- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۹۲.

۲- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶۴.

۳- سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶۷.



عادت‌ها و آسیب‌ها

تصور کنید فردا برای اولین بار باید ساعت پنج صبح از خواب بیدار شوید. برای اینکه در این ساعت خواب نمانید چه می‌کنید؟ شاید شما هم مانند برخی افراد از ساعت کوکی برای بیدار شدن استفاده می‌کنید و یا اینکه از پدر و مادرتان می‌خواهید شما را بیدار کنند. اما عده‌ای از مردم هستند که برای بیدار شدن در ساعتی مشخص، نیازی به ساعت و یا کمک دیگران ندارند و خودشان به راحتی در همین ساعت بیدار می‌شوند. می‌دانید علت چیست؟ وقتی ما کاری را به صورت مداوم انجام می‌دهیم، آن کار برای ما عادت می‌شود و ترک آن دشوار می‌شود. به نظر شما عادت کردن به انجام یک کار، خوب است یا بد؟



محمد از اولین روزهای سال تحصیلی تصمیم می‌گیرد روزی سه ساعت مطالعه کند. اگرچه انجام این کار در یکی دو هفته اول کمی برایش مشکل است، اما او که در اجرای تصمیمش جدی است، این دشواری را تحمل می‌کند و پس از مدتی کم‌کم به مطالعه روزانه عادت می‌کند.

برادر محمد در تعطیلات تابستان هر شب تا دیر وقت بیدار می‌ماند و به همین دلیل صبح‌ها هم خیلی دیر از خواب بیدار می‌شود. او حتی با شروع سال تحصیلی هم نتوانسته است ساعت خوابش را تنظیم کند و به دیر خوابیدن عادت کرده است.



- ۱- به نظر شما عادت‌های محمد و برادرش هم ارزش هستند؟
- ۲- چه چیزی باعث تفاوت عادت‌های محمد و برادرش شده است؟

همان‌گونه که دیدیم، عادت‌های انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است. عده‌ای با تکرار کارهای خوب، عادت‌های خوبی را در خودشان به وجود می‌آورند و عده‌ای دیگر عادت‌های بد! حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

کسی که از عادت‌های [بد] پیروی کند، هرگز به مقام‌های بلند نخواهد رسید.^۱

بنابراین اگر ما می‌خواهیم رشد کنیم و در زندگی سعادت‌مند باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه:

- ۱- عادت‌های خوب ورزش کرده و مطالعه را در خودمان تقویت کنیم.
- ۲- عادت‌های بد مانند پرخوری و تنبلی را بشناسیم و آنها را ترک کنیم.

ما در این درس به بررسی دو عادت بد خواهیم پرداخت که می‌توانند مانع رشد ما شوند و ما را از مسیر خوش‌بختی واقعی دور کنند.

۱- سرگرمی‌های نامناسب

«همین که به خانه می‌آید، با عجله سلام می‌کند و قبل از اینکه حتی لباسش را عوض کند تلویزیون را روشن می‌کند. این کار برای امیر تبدیل به یک عادت شده است. او از مدرسه که می‌آید، کیفش را گوشه‌ای می‌اندازد و به تماشای تلویزیون می‌نشیند. برنامه کودک و نوجوان، برنامه‌های ورزشی، مسابقه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها! ... امیر با اشتیاق همه برنامه‌ها را نگاه می‌کند و به تذکرات دیگران هم — که از او می‌خواهند

۱- غرالحکم، ص ۲۳۸.

در این کار زیاده‌روی نکند - توجه نمی‌کند. آخر شب هم بدون اینکه درس‌هایش را خوانده باشد، با خستگی برنامه فردا را آماده می‌کند و می‌خوابد.

این وضعیت ادامه پیدا می‌کند تا اینکه بالاخره فصل امتحانات فرا می‌رسد و همه دانش‌آموزان برای موفقیت در امتحانات تلاش خود را بیشتر می‌کنند، اما امیر که یک سال تمام به جای هر کاری فقط تلویزیون تماشا کرده است، دیگر نمی‌تواند به راحتی عادت بدش را ترک کند. به همین خاطر...»



- ۱- آیا به نظر شما تماشای تلویزیون کار بدی است؟
- ۲- اشتباه امیر در این یک سال چه بوده است؟
- ۳- شما اگر می‌خواستید امیر را راهنمایی کنید به او چه می‌گفتید؟

سرگرمی‌ها دو دسته‌اند:

گروه اول سرگرمی‌هایی است که به خودی خود بد نیست، اما زیاده‌روی در آنها باعث بازماندن از وظایف دیگر و غفلت از کارهای اصلی می‌شود. تماشای تلویزیون از این دسته سرگرمی‌هاست. گروه دوم سرگرمی‌هایی است که تأثیر بسیار بدی بر انسان می‌گذارد و می‌تواند باعث زیان‌های بزرگی شود. برخی فیلم‌های نامناسب و بازی‌های خطرناک رایانه‌ای از این دسته سرگرمی‌هاست که پرداختن به آنها گناه است.

۲- کم‌طاقتی

این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.» می‌توانید آن را توضیح دهید؟

یکی از عادت‌های بدی که باعث می‌شود انسان نتواند به اهدافش در زندگی برسد، کم‌طاقتی و بی‌تابی است. ورزشکاری را تصور کنید که می‌خواهد در بین دوستانش از همه قوی‌تر باشد. او برای رسیدن به این هدف چه‌قدر باید تمرین کند؟

حالا اگر همین ورزشکار بخواهد در مسابقات المپیک شرکت کند و با قوی‌ترین ورزشکاران جهان مسابقه دهد، برای پیروزی در این مسابقات چه‌قدر باید تمرین کند؟ کاملاً روشن است که هر قدر هدف‌های ما در زندگی بزرگ‌تر و ارزشمندتر باشند، دستیابی



به آنها نیز مشکل تر خواهد بود.
حال آیا رسیدن به هدف بزرگی مانند سعادت در دنیا و آخرت، با کم‌طاقتی و بی‌صبری امکان‌پذیر است؟
امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

هر کس بر سختی‌ها و نامایمات زندگی استقامت ورزد، وارد بهشت خواهد شد.^۱

فرد کم‌طاقتی را تصور کنید که باید مانند بقیه مسلمانان در ماه رمضان روزه بگیرد. همین که مقداری از روز می‌گذرد و تشنگی و گرسنگی به او فشار می‌آورد، تسلیم می‌شود و دستور خداوند را زیر پا می‌گذارد. واضح است که او نه تنها از پاداش‌های بزرگ خداوند برای روزه‌داران محروم می‌شود؛ بلکه باید خود را برای محاکمه روز قیامت نیز آماده کند.
آیا واقعاً انسان کم‌طاقت می‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۸۹.

رفتار انسان‌های صبور و افراد کم‌طاقت را در هریک از موارد زیر با هم مقایسه کنید:

صبور:	هنگامی که عصبانی می‌شود.
کم طاقت:	
صبور:	وقتی مادر در هنگام خانه تکانی، پاک کردن همهٔ شیشه‌ها را به عهدهٔ او می‌گذارد.
کم طاقت:	
صبور:	یک ساعت وقت صرف آموزش سورهٔ حمد به برادر کوچکش کرده، اما برادرش هنوز هم نمی‌تواند سوره را بدون غلط بخواند.
کم طاقت:	

- ۱- چه چیزی باعث می‌شود یک کار برای انسان به صورت عادت درآید؟
- ۲- با ذکر چند مثال نقش صبر و استقامت را در رسیدن به بهشت توضیح دهید.
- ۳- با توجه به آنچه در این درس خواندیم:
الف: توضیح دهید سرگرمی‌ها چند دسته‌اند؟
ب: زیاده‌روی در کدام گروه از این سرگرمی‌ها ناپسند است؟



جلوی ضرر را از هر کجا بگیرید منفعت است.

شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که اگر متوجه عادت ناپسندی در خودمان شدیم چه کار باید کنیم؟

۱- استعانت از خدا

توجه داشته باشیم که خداوند بزرگ به همه ما نیروی بسیار قوی و ارزشمندی به نام اراده بخشیده است که با آن می‌توانیم هر کار دشواری را با موفقیت پشت سر بگذاریم. پس از خدا یاری بخواهیم و امیدوار باشیم.

۲- تصمیم جدی

مهم‌ترین گام در راه ترک یک عادت بد، تصمیم جدی برای دوری از آن عادت است. برای این تصمیم لازم است به مشکلات آن عادت بد بیندیشیم.

۳- تلاش مستمر

قدم سوم به کار بستن تمام نیرو و تلاش برای تکرار نکردن آن کار است. توجه داشته باشیم که اگر چه ترک یک عادت در ابتدا خیلی مشکل به نظر می‌رسد، اما پس از مدتی تمرین و مداومت، هر عادتی جای خودش را به عادت دیگری خواهد سپرد.

۴- تغییر شرایط

گام بعدی عوض کردن شرایطی است که باعث ایجاد عادت‌های بد در انسان می‌شود؛ مثلاً کسی که دوستانش همگی به انجام کار بدی عادت کرده‌اند، تا زمانی که در میان آن دوستان باشد، نمی‌تواند عادت ناپسند آنها را ترک کند. و یا کسی که معمولاً در تنهایی فکری نادرست به سراغش می‌آید، بهتر است تا زمان ترک این عادت، از تنها ماندن آن هم به صورت طولانی پرهیز کند.

۵- پرهیز از یأس و ناامیدی

اگر با وجود این که تصمیم گرفتیم کاری را دیگر انجام ندهیم، اما پس از مدتی باز هم ناخواسته به عادت قبلی خود عمل کردیم، ناامید نشویم و تلاشمان را برای ترک آن عادت رها نکنیم؛ بلکه آن را یک اتفاق بدانیم و دوباره بر تصمیم خود برای ایجاد عادت خوب و جدید ثابت قدم بمانیم.

الهی

ای خالق نیکی؛

تو را پاس می گویم که خلق و خوی مرا نیک آفریدی

و به آنچه خودت می پسندی هدایتم کردی

الهی تو فیتقم ده که بر دشمنان خود غلبه کنم

شیطانی که وسوسه ام می کند

و غفلتی که از بهمت من می کاهد

و کم طاعتی که مرا از بهشت تو دور می سازد

الهی مرا نیرو بخش تا ساکن گزار تو باشم

و چشم بر معایب خود نبندم

و خود را از آنچه هستم بهتر نبینم

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با

پروردگارت سخن بگو).

.....
.....
.....





ارزش کار

عبادت بزرگ

«... قدم‌هایش را تندتر کرد. می‌خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. انگار از آسمان آتش می‌بارید. در این بعدازظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می‌آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین‌طور که با عجله راه می‌رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در زمین کشاورزی‌اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی!

مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این‌گونه خودش را برای به‌دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم.

کمی که نزدیک‌تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می‌بینم؟ او محمدبن علی (امام باقر علیه‌السلام) است؟! خوب دقت کرد. بله خود اوست! ببین چگونه عرق می‌ریزد و کار می‌کند؟! — سلام علیکم.

امام علیه‌السلام نفس‌زنان و عرق‌ریزان جواب سلامش را داد و دوباره مشغول کار شد. — آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق بریزد و به‌دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟



حضرت لحظه‌ای دست از کار کشید و سپس فرمود:
«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال عبادت خدا از دنیا رفته‌ام. من تلاش می‌کنم تا با کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد. سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباهم پی بردم...»^۱

ثمرات کار و کوشش

کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه در دین اسلام در ردیف عبادت‌های بزرگ شمرده شده است.
رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، کار و کسب حلال است.^۲

فایده دیگر کار کردن، توانایی برای انفاق، سخاوت‌مندی و مشارکت در کارهای خیر است. شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوت‌مندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟ آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوت‌مندان به کارهای خیر (مانند ساختن مسجد، مدرسه، کتابخانه و...) خرج کند؟ یکی دیگر از ثمرات کار برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است. به گفته کارشناسان، کار و اشتغال مناسب می‌تواند از بسیاری جرایم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت‌های خیابانی و تكدی‌گری جلوگیری کند.

به نظر شما بی‌کاری باعث چه مشکلات دیگری در جامعه می‌شود؟

فعالیت کلاسی

۲- جامع‌الاخبار، ص ۱۳۹.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰.

اکنون وقت آن است که ببینیم آیا ما حق داریم از هر راهی اقدام به جمع‌آوری اموال و دارایی برای خود بکنیم؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسید: کسی از راه حرام مالی را به دست می‌آورد و برای اینکه گناهِش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می‌دهد، به نزدیکانش رسیدگی می‌کند و به زیارت خانه خدا می‌رود. این کارهایش نزد خدا چگونه است؟ امام علیه‌السلام فرمود:

آنچه گناهان را پاک می‌کند، کارهای نیک است، اما کار حرام نمی‌تواند حرام دیگری را پاک کند.^۱

بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می‌شود که حتی اگر همه آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی‌شود، بلکه گناهی به گناهانش افزوده خواهد شد. آیا می‌توانید حدس بزنید وارد شدن اموال حرام به زندگی انسان چه تأثیرات دیگری بر زندگی او خواهد داشت؟



فعالیت کلاسی

مردی نزد پیامبر اکرم آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله، از خداوند بخواهید دعا‌های مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر این را می‌خواهی، کسب و کار حلال در پیش بگیر.^۲ این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می‌کند: مستجاب نشدن دعاها.

اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونه بالا، پیام هر حدیث درباره مال حرام را بنویسید:

۱- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.^۱

پیام:

۲- امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که اموالش را از راه نادرست به دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می‌دهد.^۲

پیام:

خیانت در کار

همه می‌دانیم که اگر انسان اموالش را از راه حرام مانند دزدی، قمار و خرید و فروش اجناس قاچاق به دست آورد، آن اموال حرام است و کسی حق ندارد از آنها استفاده کند. اما گاهی اوقات انسان با اینکه شغل خوب و حلالی دارد، اموالی که از آن شغل به دست می‌آورد حرام است.

مثلاً کسی که وسیله بی کیفیت را در بسته بندی وسیله خوب و با کیفیت قرار می‌دهد و آن را با قیمتی بیشتر می‌فروشد، به همان مقدار که پول بیشتری دریافت می‌کند مال او حرام می‌شود و واجب است آن را به خریدار برگرداند.

و یا کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد، اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، پولی که دریافت می‌کند، حق او نیست و استفاده از آن پول برایش حرام است.

پس می‌بینیم که انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود.

خداوند بزرگ در کتاب هدایت خود به این افراد وعده عذاب می‌دهد و می‌فرماید:

۲- غررالحکم.

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۵.

<p>وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانہ می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آنها نمی‌دانند که برانگیخته می‌شوند؟ در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.</p>	<p>وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^۱</p>
--	--

در درس‌های بعد درباره سرنوشت کسانی که حقوق دیگران را از بین می‌برند بیشتر آشنا خواهیم شد.



خودت را امتحان کن

- ۱- به‌نظر شما کار کردن چه فوایدی برای ما و جامعه ما دارد؟ به سه مورد اشاره کنید.
- ۲- به چند نمونه از کارهایی که انجام آنها و استفاده از درآمد آنها برای یک انسان مسلمان حرام است، اشاره کنید.
- ۳- سه شغل حلال را نام ببرید و توضیح دهید که چگونه ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام باشد.
- ۴- کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی افراد دارد؟

پیشنهاد



داستان بازار سیاه (داستان شماره ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوان و آن را برای خانواده و دوستانت بازگو کن.

۱- سوره مطفین، آیات ۱ تا ۶.



برکت

حتماً شما هم شنیده‌اید که می‌گویند: «از تو حرکت از خدا برکت!»
می‌دانید معنای این ضرب‌المثل چیست؟

ببینیم:

دیگر طاقتش تمام شده بود. آن قدر فقیر شده بود که حتی نمی‌توانست برای
کودکانش غذایی تهیه کند. نمی‌دانست چه کار کند.
— فقط همین یک راه برایمان باقی مانده است، امروز نزد پیامبر برو و از او کمک
بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.

این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی‌خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری
به نظرش نمی‌رسید. به مسجد آمد. رسول خدا در میان عده‌ای از اصحاب نشسته
بود و مشغول گفت‌وگو بودند.

گوشه‌ای نشست و به سخنان آنها گوش داد. منتظر فرصتی بود تا اطراف پیامبر
خلوت تر شود و بتواند مشکلش را با ایشان درمیان گذارد. در این میان ناگهان پیامبر
خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود:

— «هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست

نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»

— یعنی منظور پیامبر چه بود؟ آیا با من بود؟

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. اما تا فردا هیچ اتفاقی نیفتاد و فقر و
گرسنگی مانند روزهای پیش به او و خانواده‌اش فشار آورد. فردا دوباره با همان نیت
قبلی به مسجد آمد. باز هم رسول خدا بدون اینکه اشاره‌ای به او کند فرمود: «هر
کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش
دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز خواهد کرد.»

دیگر مطمئن بود که منظور پیامبر خود اوست. باز هم بی‌آنکه چیزی بگوید به
خانه بازگشت.

وقتی فردای آن روز برای سومین بار نزد پیامبر خدا رفت و باز هم همین کلمات
را از ایشان شنید، با خودش گفت:



— حتماً در این جملات رسول خدا حکمتی است که هر بار همین سخن را تکرار می‌کند. دیگر از هیچ‌کس کمک نخواهم خواست. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرویی که خداوند در خودم قرار داده است استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم در این راه به من کمک کند تا از این پس هرگز دست نیاز به سوی کسی دراز نکنم. تصمیمش را گرفت و به خانه آمد. با خودش فکر کرد: از من چه کارهایی ساخته است؟

— حداقل می‌توانم به صحرا بروم و مقداری هیزم بیاورم و بفروشم. از همسایه‌اش تیشه‌ای امانت گرفت. به صحرا رفت و مقداری هیزم کند و به شهر آورد و فروخت و برای اولین بار پس از مدتی طولانی حاصل دسترنج خود را به خانه برد.

همین کار را مدتی ادامه داد تا اینکه توانست به مرور برای خودش تیشه و وسایل کار و یک حیوان باربری بخرد. همین‌طور کار کرد و کار کرد تا اینکه بالاخره برای خودش صاحب سرمایه و خدمتکارانی شد.

روزی رسول خدا به او رسید و تبسم‌کنان فرمود: نگفتم، هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز می‌کند!^۱

الهی

ای کریم روزی بخش
ای که به من تلاش کردن آموختی
تا دستان خالی ام را پر کنم
و لذت بخشش به من حشندی
تا روزی ام را با دیگران قسمت کنم، تو را پاس.
پاس که سفره ام را به نان حلال آراستی
و مرا از بخشش دیگران بی نیاز ساختی
الهی یاری ام کن در بهنگام تو انگری تنها خود را نیستم

خدایا

اکنون که زندگی ام را به کار خوب آراستی
دست و زبانم را به شکر گزاریت زینت بخش

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با
پروردگارت سخن بگو).



جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم از افراد مختلفی تشکیل شده است که هر یک اخلاق و دیدگاه‌های مخصوص به خود را دارند. از طرفی همه ما در یک جامعه زندگی می‌کنیم و رفتارهای هر یک از ما می‌تواند بر تمام جامعه اثرگذار باشد. دین اسلام برای تنظیم روابط افراد جامعه، برنامه مشخصی دارد که با بخشی از آن در سال گذشته آشنا شدیم. ما در این فصل به برنامه‌های دیگری از تعالیم اجتماعی اسلام می‌پردازیم که اجرای آنها می‌تواند زندگی زیباتر و سالم‌تری را برای جامعه ما به دنبال داشته باشد.

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: حق الناس، نشان عزت و مسئولیت همگانی.

🌀 **درس چهاردهم (حق الناس)** به بررسی مسئولیت انسان درباره خود، خدا و دیگران می‌پردازد و ضمن یادآوری اهمیت حق الناس در دین اسلام به بیان حقوق عمومی و وظیفه هر فرد در برابر این حقوق می‌پردازد.



🌀 **درس پانزدهم (نشان عزت)** اهمیت و نقش حجاب و پوشش اسلامی را در تأمین امنیت فردی و عمومی بیان می‌کند. همچنین این درس احکام ضروری حجاب اسلامی که مسلمانان باید آنها را رعایت کنند را گوشزد می‌نماید.



🌀 **درس شانزدهم (مسئولیت همگانی)** به یکی از مهم‌ترین وظایف تمام افراد جامعه یعنی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند و ضمن بیان اهمیت این عمل در اسلام، شیوه‌های مختلف این کار را به ما آموزش می‌دهد.





حق الناس

ایستگاه آخر

فرشته مأمور رسیدگی به اعمال، با دقت آخرین صفحه‌های این فصل پرونده او را هم می‌بیند و بعد مَهْری روی پرونده می‌زند. چیزی نمانده که قلبش از اضطراب کنده شود. همین که فرشته مهر را برمی‌دارد، از خوشحالی فریاد می‌کشد:

..... قبول!

نفس راحتی می‌کشد. باورش نمی‌شود که توانسته است از این ایستگاه^۱ هم با سلامتی عبور کند. برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. جمعیت انبوهی را می‌بیند که در ایستگاه‌های مختلف متوقف مانده‌اند. عده‌ای که نمازهایشان کامل نبوده در ایستگاه نماز، آنها که روزه‌هایشان کامل نبوده در ایستگاه روزه، کسانی که زکات اموالشان را نداده‌اند در ایستگاه زکات، عده‌ای در ایستگاه حج، عده‌ای در ایستگاه امر به معروف و ...

یادش می‌آید که خودش هم به خاطر این که بعضی نمازهایش در دنیا درست نبود، مدتی طولانی در ایستگاه نماز معطل مانده بود و اگر رحمت خداوند شامل حالش نشده بود، معلوم نبود چه سرنوشتی در انتظارش بود.

کم‌کم از دور دروازه‌های بهشت نمایان می‌شود. حالا فقط یک ایستگاه دیگر مانده و اگر از این یکی هم با مهر قبول بگذرد، لحظاتی بعد در بهشت خواهد بود. ایستگاه حق الناس!



مسئول کنترل پرونده، نگاهی به فصل آخر پرونده‌اش می‌کند و دستور می‌دهد او را بالای مکان بلندی ببرند. از آن بالا همه را می‌بیند. مردم هم او را می‌بینند. سپس یکی از مأموران با

۱- براساس سخنان امامان و پیامبر اکرم علیهم السلام (به عنوان مثال: کافی، ج ۲، ص ۳۳۱) در روز قیامت توقف‌گاه‌هایی وجود دارد که اعمال مردم در آنها بررسی می‌شود.

صدایی بلند او را معرفی می‌کند و می‌گوید: هر کس بر گردن این فرد حقی دارد، بیاید و حقیش را بگیرد.

او که تا چند لحظه پیش خودش را در بهشت می‌دید، ناگهان در بین عده‌ی زیادی از مردم گرفتار می‌شود. مأموران همه را به صف می‌کنند تا یکی یکی بیایند و حرفشان را بزنند. نفر اول جلو می‌آید: مرا به یاد می‌آوری؟ ما با هم همسایه بودیم. یادت هست همیشه مرا به خاطر این که هنگام صحبت کردن زبانم می‌گرفت، مسخره می‌کردی؟ من از تو ناراضی‌ام و نمی‌گذارم به بهشت بروی.

دومین نفر: ما با هم در یک کلاس درس می‌خواندیم. تو از من قوی‌تر بودی و چون می‌دانستی من زورم به تو نمی‌رسد، به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفتی. یادت هست یک بار با من دعوا کردی و سیلی محکمی به صورتم زدی؟ من از تو ناراضی‌ام.

سومین نفر یک مغازه‌دار: یادت هست آن روز برای خرید به مغازه‌ی من آمدی و پولت کم بود؟ هر چه خواستی برداشتی و گفتم می‌روم و خیلی زود بقیه‌ی پول را می‌آورم. اما رفتی و دیگر برنگشتی. حالا بقیه‌ی پولم را از تو می‌خواهم!

نفر بعد: یادت هست آن وقت که در مغازه‌ی میوه‌فروشی کار می‌کردی؟ روزی من برای خرید پیش تو آمدم. تو یک جعبه میوه به من فروختی که میوه‌های روی آن همه سالم بود، ولی میوه‌های زیر آن خراب. تو با اینکه می‌دانستی آن میوه‌ها خراب‌اند، چیزی به من نگفتی و مرا فریب دادی. حالا یا پول مرا پس بده و یا به من میوه سالم بده! و همین‌طور نفر بعدی و ...

حسابی گیج شده است. میوه‌ی خراب فروختم؟! مسخره کردم؟ کتک زدم؟ ... با التماس به مأموران می‌گوید: آخر من در این وضعیت پول از کجا بیاورم؟ شما یک چیزی بگویید. اما مأموران می‌گویند: چاره‌ای نیست. باید رضایت آنها را به دست آوری.

مدتی می‌گذرد. او که به جز کارهای خوب داخل پرونده‌اش چیز دیگری همراه ندارد، مجبور می‌شود مقداری از کارهای خوبش را به نفر اول بدهد تا او را از خودش راضی کند نفر دوم هم مقداری دیگر از ثواب‌هایش را می‌گیرد. نفر سوم و ... پس از مدتی همه‌ی کارهای خوبش تمام می‌شود، ولی طلبکاران هنوز تمام نشده‌اند. دیگر نمی‌داند چه کار کند. طلبکار بعدی که می‌بیند چیز دیگری برای او نمانده می‌گوید: چند تا از گناهان مرا بگیر تا از حق خودم بگذرم. نفر بعد گناهان دیگر و ...

انگار همه چیز دور سرش می‌چرخد. اصلاً حالش خوب نیست. هر قدر تلاش می‌کند، دیگر نمی‌تواند دروازه‌های بهشت را ببیند. شعله‌های آتش را می‌بیند که به طرفش می‌آید. سرش گیج

می‌رود و زیر پایش خالی می‌شود. فریاد بلندی می‌کشد و ناگهان ...

حقوق سه‌گانه

به کارهایی که در طول یک شبانه روز انجام می‌دهیم فکر کنیم:

۱- غذا می‌خوریم،

۲- برای نماز به مسجد می‌رویم،

۳- برای سوار شدن به اتوبوس در صف می‌ایستیم،

اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم بعضی از کارهایی که ما هر روز و شب انجام می‌دهیم برای این است که خودمان سالم بمانیم و بتوانیم از هر نظر رشد خوبی داشته باشیم. به این کارها حق‌النفس گفته می‌شود. غذا خوردن، استراحت کردن، مسواک زدن و مطالعه کردن از این کارها هستند. توجه به حق‌النفس یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند به عهدهٔ هر یک از ما قرار داده است.

بعضی کارهای دیگر را برای این انجام می‌دهیم که دستور خداوند را اطاعت کنیم. به این کارها حق‌الله گفته می‌شود. نماز خواندن، امر به معروف و دوری از گناهان از این گروه هستند. بخش دیگری از کارها، وظیفه‌های ما نسبت به دیگران است. ما موظفیم به نیازمندان کمک کنیم، دیگران را آزار ندهیم، حق دیگران را رعایت کنیم و به کسی ظلم نکنیم. به این وظایف حق‌الناس گفته می‌شود.



فعالیت کلاسی

۱- به نمونه‌ها توجه کنید و جدول زیر را با چند مثال دیگر کامل

کنید.

۱- کسی که بدون دلیل در ماه رمضان روزه نمی‌گیرد.	بی‌توجهی به حق‌الله
۲-	
۳-	

۱- کسی که به دیگران تهمت می‌زند.	بی‌توجهی به حق الناس
۲-	
۳-	
۱- کسی که عمر و وقتش را بیهوده تلف می‌کند.	بی‌توجهی به حق النفس
۲-	
۳-	

۲- به نظر شما اجرای کدام یک از این سه نوع وظیفه، اهمیت بیشتری دارد؟

خداوند بزرگ در قرآن کریم به بعضی از نمونه‌های حق الناس اشاره کرده و می‌فرماید:

<p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان درباره دیگران بپرهیزید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است. و [در کار یکدیگر] تجسس نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار برای شما ناپسند است، پس در برابر خداوند پرهیزکار باشید.</p>	<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ...^۱</p>
--	--

۱- سوره حُجرات، آیه ۱۲.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که حقّ الناس فقط در حقوق مالی مردم نیست؛ بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حقّ الناس است.

دامنه حقوق دیگران آن قدر گسترده است که گاهی اوقات انسان‌ها با انجام بعضی کارها بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند، حقوق عده زیادی از مردم را از بین می‌برند و در روز قیامت ناگهان با جمعیت بسیار زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شوند.

مثلاً کسی را تصور کنید که آتشی را در جنگل روشن می‌کند و سپس هنگام رفتن، آن را خاموش نمی‌کند و همین بی‌توجهی او باعث آتش گرفتن بخش وسیعی از جنگل می‌شود. به نظر شما آیا این فرد در برابر تمام کسانی که به خاطر بی‌توجهی او از هوای پاک محروم شده‌اند، مسئول نیست؟

آیا کسی که با ریختن مواد سمی در رودخانه‌ها آب‌های عمومی را آلوده می‌کند، در برابر مردم مسئول نیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این گونه افراد فرمود:

از رحمت خدا دور است کسی که توقف‌گاه‌ها و استراحتگاه‌های عمومی را آلوده کند و [همچنین] کسی که راه عبور مردم را سد کند.^۱

همین‌طور که می‌بینید چیزهایی وجود دارد که همه مردم حق دارند از آنها بهره‌مند شوند؛ جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، فضاهای سبز و کوه‌ها نمونه‌هایی از این اموال عمومی هستند که خداوند مهربان آنها را برای استفاده همه مخلوقات آفریده است.

دین اسلام نه تنها به همه مسلمانان سفارش می‌کند در حفظ محیط زیست کوشا باشند؛ بلکه کمک به رشد و حفاظت از این نعمت‌های الهی را در ردیف عبادات می‌شمارد.



- ۱- اگر کسی با شکستن یک درخت حق همه مردم را از بین ببرد، چگونه می‌تواند این حق بزرگ را جبران کند؟
- ۲- درباره بی‌توجهی به حقوق عمومی چند مثال بزنید.



- ۱- کسی که دوست دارد به بهشت الهی راه یابد، باید حقوق چه کسانی را رعایت کند؟
- ۲- اگر همهٔ مردم نسبت به حقوق یک دیگر بی توجهی کنند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟
- ۳- سه نمونه از حقوقی را که هم کلاسی‌ها بر شما دارند، بیان کنید.
- ۴- سه نمونه از حقوقی را که افراد خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و ...) بر شما دارند، بیان کنید.



بدترین دزدی

عقیل که آن شب مهمان برادرش علی علیه‌السلام بود، با برادرش روی بام دارالاماره نشسته بودند و با هم سخن می‌گفتند. عقیل منتظر فرصت مناسبی بود تا مسئلهٔ اصلی را بیان کند.

کم کم موقع صرف شام فرا رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می‌دید، انتظار سفرهٔ رنگینی داشت، ولی سفره که پهن شد، جز غذایی بسیار ساده چیزی در آن نبود. غذایی مانند آنچه فقیرترین مردم کوفه می‌خوردند!

عقیل با کمال تعجب پرسید: غذا همین است؟

علی علیه‌السلام فرمود: مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را به خاطر این نعمت‌ها بسیار شکر می‌کنم.

عقیل کمی فکر کرد و سپس گفت: پس من حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من بدهکارم و زیر بار قرض‌هایم مانده‌ام. اگر می‌خواهی به برادرت کمک کنی، دستور بده قرض مرا از بیت‌المال بپردازند.

- چقدر مقروضی؟

- صد هزار درهم!

- صد هزار درهم؟ چقدر زیاد! متأسفم برادر جان! این قدر ندارم که قرض‌های تو را

بدهم. اما کمی صبر کن تا موقع پرداخت حقوق برسد. از سهم شخصی خودم برمی‌دارم



و به تو می‌دهم و حق برادری را به‌جا خواهم آورد. اگر نیازها و مخارج خانواده خودم نبود، تمام سهم خودم را به تو می‌دادم و چیزی برای خودم نمی‌گذاشتم. صبر کنم تا وقت پرداخت حقوق برسد؟ بیت‌المال و خزانه کشور در دست توست؛ آن وقت به من می‌گویی صبر کن تا موقع پرداخت سهمیه‌ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی می‌توانی از خزانه و بیت‌المال برداری. چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله می‌کنی؟ از این گذشته؛ مگر تمام حقوق تو از بیت‌المال چقدر است؟ اگر تمام حقوق خودت را هم به من بدهی! چه دردی از من دوا می‌کند؟ - من از پیشنهاد تو تعجب می‌کنم. خزانه دولت پول دارد یا ندارد چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هم هر کدام فردی هستیم مثل سایر افراد مسلمین. این درست است که تو برادر منی و من باید تا آنجا که می‌توانم به تو کمک کنم، اما از مال خودم نه از بیت‌المال مسلمین!

این گفت‌وگو ادامه داشت و عقیل با زبان‌های مختلف درخواست خویش را تکرار می‌کرد؛

- اجازه بده از بیت‌المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم.
پایین دارالاماره، بازار کوفه قرار داشت و از بالای بام، صندوق‌های پول تجار و

بازاری‌ها دیده می‌شد. در این بین که عقیل اصرار و سماجت می‌کرد علی علیه‌السلام فرمود:

- اگر باز هم اصرار داری و سخن مرا نمی‌پذیری، پیشنهادی به تو می‌کنم. اگر بپذیری می‌توانی تمام دین خویش را بپردازی و بیش از آن هم داشته باشی.

- چه کار کنم؟

- در این پایین صندوق‌هایی است؛ همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوق‌ها را بشکن و هر چه دلت می‌خواهد بردار.

- صندوق‌ها مال کیست؟

- مال این مغازه‌داران است. اموال نقدینه خود را در آنجا می‌ریزند.

- عجب! به من پیشنهاد می‌کنی صندوق‌های مردم را بشکنم و مال مردم را که به هزار زحمت به دست می‌آورند و در اینجا می‌گذارند و با توکل بر خدا می‌روند، بردارم؟

- پس تو چطور به من پیشنهاد می‌کنی تا صندوق بیت‌المال مسلمین را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که اکنون راحت در خانه‌های خویش خفته‌اند. حالا اگر آن پیشنهاد مرا قبول نداری، پیشنهاد دیگری می‌کنم، اگر میل داری این پیشنهاد را بپذیر.

- دیگر چه پیشنهادی؟

- اگر حاضری شمشیر خویش را بردار. من نیز شمشیر خود را برمی‌دارم. در این نزدیکی، شهر قدیمی حیره است. در آنجا بازرگانان و ثروتمندان بزرگی زندگی می‌کنند. شبانه به یکی از آنها شیخون می‌زنیم و ثروت کلانی به دست می‌آوریم.

- برادر جان من برای دزدی نیامده‌ام که تو این حرف‌ها را می‌زنی. من می‌گویم از بیت‌المال و خزانه کشور که در اختیار تو است، اجازه بده پولی به من بدهند تا من قرض‌هایم را ادا کنم.

- چطور ربودن مال یک نفر با شمشیر دزدی است، ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده‌ای دزدی فقط این است که کسی به دیگری حمله کند و با زور مال او را از چنگالش بیرون آورد؟ بدترین و زشت‌ترین اقسام دزدی همین است که تو الآن به من پیشنهاد می‌کنی!^۱

الهی

ای خدایی که حاجات و نیازها بهم در دست توست؛
بر محمد و خاندانش درود فرست.

الهی،

هر یک از بندگانت که بر آمان ستمی کردم؛
و کسانی که آبرویشان را بدختم،
یا امواتشان را تاه کردم،
آنان که غیبتشان را کردم،
و آنان که به سختی شان انداختم،
و به آنان که ستم کردم،

الهی،

اکنون تو خود، آنان را از من راضی کن،
که دستم کوتاه است و خود از جبران حجتشان ناتوانم...^۱

امام سجاد علیه السلام



۱- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۷۶ و مفاتیح الجنان دعای روز دوشنبه.



نشان عزت

دو روز بیشتر تا پایان مهلت مسابقه عکاسی باقی نمانده بود و من هنوز نتوانسته بودم موضوع مناسبی برای عکاسی پیدا کنم.

آن روز در راه مدرسه نگاهم به باغچه کنار پیاده رو افتاد. گل‌های رز سفید، صورتی و قرمز در میان سبزه‌های زیبا و شاداب خودنمایی می‌کردند.

جلوتر رفتم و از نزدیک به آنها نگاه کردم. گل‌ها بهترین موضوع برای عکاسی بودند، اما حیف که دوربین همراهم نبود. با خودم گفتم: فردا حتماً دوربین را با خودم می‌آورم و چند عکس زیبا از گل‌ها می‌گیرم...

فردای آن روز زودتر از همیشه از خانه بیرون آمدم و با اشتیاق به طرف باغچه گل‌ها به راه افتادم. چند قدم تا باغچه بیشتر باقی نمانده بود که ناگهان از تعجب سرجایم میخ کوب شدم! روی زمین پر بود از گلبرگ‌های پژمرده و برگ‌های سبزرنگی که از ساقه جدا شده بودند! از آن بوته‌های زیبای گل به جز چند ساقه خالی چیزی باقی نمانده بود. اندوهی تمام وجودم را فرا گرفت. نمی‌توانستم باور کنم که ...

آن روز تا ظهر در فکر سرنوشت دردناک گل‌ها بودم. تازه برای عکاسی هم باید دنبال موضوع جدیدی می‌گشتم. با خودم گفتم فردا هر جا بروم دوربین را با خودم می‌برم، دیگر نباید هیچ فرصتی را از دست بدهم.

فردای آن روز در راه مدرسه ...

انگار دارم خواب می‌بینم! یک بوته بزرگ پر از گل‌های محمدی زیبا! آن هم در نزدیکی همان گل‌های پرپر شده دیروز؟! با خودم فکر کردم چطور ممکن است دست‌های بی‌رحمی تمام گل‌های آن بوته را پرپر کرده باشند، ولی هیچ آسیبی به این گل‌های شاداب و با طراوت نرسانده باشند؟ خوب که دقت کردم دیدم پاسخ من تنها یک کلمه بود: پرچین!



به نظر شما آیا باغبانی که اطراف یک بوته گل را حصار می‌کشد، آن را زندانی کرده است؟ این اقدام باغبان برای چه کسی سودمندتر است؟ همه ما تلاش می‌کنیم از اشیاء ارزشمند و گرانبه‌های خود در برابر خطرات و آسیب‌ها محافظت کنیم. قراردادان اشیاء گرانبه‌ها در گاو صندوق نمونه‌ای از این مراقبت‌هاست.



با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید و نمونه‌های دیگری از این مراقبت‌های عاقلانه را بیان کنید.

آرامش و امنیت

یکی از دستورات حکیمانه خداوند که سلامتی روح ما انسان‌ها را در پی دارد، حکم حجاب است. آفریدگار دانا و توانا که از هر شخص دیگری به نقاط قوت و ضعف ما آگاه‌تر است، می‌فرماید:

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ
قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...^۱

ای پیامبر!
به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو
چادرهای خود را بر خود فروپوشند.

این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که مهم‌ترین فایده حجاب، در امان ماندن از آزار و اذیت افراد سودجو و هوسران است. نگاهی به آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد که بیشترین آزار و اذیت‌ها درباره دختران و زنانی است که پوشش مناسبی ندارند و خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می‌دهند. این افراد - بدون آنکه خودشان توجه داشته باشند - با تحریک جوانان سست اراده، خود را در دامی می‌اندازند که نتیجه شوم آن قابل پیش بینی نیست.



آمارهای تکان دهنده جرایم اخلاقی در کشورهای غربی و مزاحمت های اجتماعی برای زنان، توجه کارشناسان و صاحب نظران این کشورها را به حجاب بیشتر جلب کرده است. آنان می بینند مشکلات ناشی از بی حجابی در کشورهایشان دهها برابر کشورهای اسلامی است و پوشش زنان مسلمان را عامل اصلی آرامش و امنیت آنها می دانند.

جودیت میلر؛ خبرنگار امریکایی روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای با عنوان «امنیت زنان در اسلام» می نویسد: «امروزه بیش از هر زمان دیگری شاهد گرایش زنان مسلمان به حجاب هستیم. اما علت چیست؟ علت هدیه‌ای است که اسلام آن را به روح و روان مردان و زنان جامعه‌های اسلامی تقدیم کرده است. پوشش (حجاب) برای زن این امکان را فراهم ساخته است که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و ... درامان بماند. حجاب یک پیام غیرقابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید: این زن نجیب است، با او کاری نداشته باشید!»

هم چنین روزنامه وال استریت ژورنال در سال ۱۳۸۹ گزارش می دهد:

«در پی افزایش آزار و اذیت و حملات به زنان در شهر نیویورک، پلیس این شهر واحد گشتی تأسیس کرده است که زنانی را که پوشش نامناسب دارند متوقف می کند و به آنان تذکر می دهد تا نوع پوشش خود را تغییر دهند. طبق اظهار رهگذران، پلیس به این افراد یادآوری می کند که پوشش بد آنها باعث می شود عده‌ای به خودشان اجازه دهند تا آنان را مورد آزار و تجاوز قرار دهند. رییس پلیس شهر نیویورک در این باره می گوید: ما تنها به زنان یادآوری می کنیم که در بخش عمده‌ای از تجاوزها، افراد متجاوز به زانی حمله کرده‌اند که لباس نامناسب به تن داشته‌اند.»

حفظ خانواده

یکی دیگر از ثمرات مهم حجاب، حفظ صمیمیت و محبت در میان اعضای خانواده است. در یک جامعه سالم، مردان و زنان بدون آنکه گرفتار خودآرایی و اختلاط با یکدیگر باشند، در محیط کار و تحصیل به انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود می پردازند و در محیط خانواده، نیازهای عاطفی خود را تأمین می نمایند و علاقه و محبت خود را در میان خانواده خود و به صورت صحیح

ابراز می کنند. اما در جامعه ناسالم، برخی زنان با پوشش نامناسب و خودآرایی‌های تحریک کننده، دیگران را به تماشای خود دعوت می کنند. اکنون خودتان قضاوت کنید؛ چنین خانمی آیا می تواند تمام محبتش را تقدیم خانواده خود کند؟ احساس خانواده اش نسبت به او چه خواهد بود؟



به نظر شما علت اصلی بدحجابی و آرایش‌های تند و تحریک کننده برخی دختران و زنان در جامعه ما چیست؟

مسئولیت مشترک

تا اینجا دانستیم که حفظ حجاب از دستورات مهم اسلام است و هیچ مانعی برای رشد و پیشرفت نیست؛ لذا امروزه در میان نخبه‌های علمی کشور، دختران عقیف و محجبه بسیاری دیده می شود که گواه بر این مدعاست. اما آیا این تنها مسئولیت زنان است و مردان برای حفظ سلامت پاکدامنی جامعه مسئولیتی ندارند؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید:

[ای پیامبر] به مؤمنان بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرمان] فروگیرند، و دامان خود را [از گناه] حفظ نمایند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان مؤمن [نیز] بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرمان] فرو گیرند و دامان خود را [از گناه] حفظ نمایند و زینت خود را جز آن مقدار که [مانند گردی صورت] نمایان است، آشکار نکنند.^۱

به نظر شما چرا خداوند دانا در این آیات هریک از مردان و زنان را به صورت جداگانه مخاطب خود قرار داده و این راهنمایی را برای هر دو گروه تکرار کرده است؟ این آیات به روشنی نشان می دهد که حفظ پوشش به تنهایی برای سلامت جامعه کافی

۱- سوره نور، آیات ۳۰-۳۱.

نیست و تمام افراد - چه مرد و چه زن - باید با رفتار و گفتار خود، حیا و عفت را رعایت کنند. دین اسلام، هر کاری که مردان یا زنان را به گناه اندازد، حرام می‌داند. پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن نما، سخن گفتن با لحنی که دیگران را تحریک کند، پوشیدن لباس‌هایی که انسان را در جامعه انگشت نما می‌کند و انجام هر رفتاری که توجه نامحرم را به سوی انسان جلب کند حرام است و در تمام این موارد فرقی بین مردان و زنان نیست.

چند نکته احکام

- ۱- پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دست‌ها (از مچ تا انگشتان) برای زنان واجب است.
- ۲- نگاه به مو و بدن زنان نامحرم حرام است و نگاه به صورت آنان نیز اگر موجب گناه شود، جایز نیست.
- ۳- نگاه به بدن مردان نامحرم برای زن حرام است.
- ۴- افراد محرم برای زنان عبارتند از: پدر، شوهر، پسر، برادر، پدر بزرگ، پدر شوهر، عمو، دایی، پسر برادر، پسر خواهر، پسر پسر، پسر دختر. به غیر از اینها تمامی مردان برای زنان نامحرم هستند؛ یعنی زنان نباید در حضور مردان نامحرم بدون حجاب اسلامی ظاهر شود. و افراد محرم برای مردان عبارتند از: مادر، زن، دختر، خواهر، مادر بزرگ، مادر زن، خواهر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر، دختر پسر، دختر دختر. به غیر از اینها تمامی زنان برای مردان نامحرم هستند؛ یعنی مردان نباید به زنان نامحرم اگر حجاب اسلامی ندارند، نگاه کنند.



- ۱- با توجه به آیات قرآن کریم، مهمترین فایده حجاب برای بانوان چیست؟
- ۲- مسئولیت مشترک مردان و زنان برای حفظ پاکی جامعه چیست؟
- ۳- مقدار پوشش واجب برای زنان چقدر است؟
- ۴- آیا بانوان می‌توانند بدون جوراب در برابر نامحرم رفت و آمد کنند؟ چرا؟



ارزش فرمان خدا

یکی از اصلی‌ترین مخالفان حکم حجاب، سیاستمداران فاسد و هوسرانی هستند که اهداف خود را در بی‌عفتی زنان می‌بینند. آنها تلاش می‌کنند به هر وسیله‌ای که شده (از تبلیغات رسانه‌ای گرفته تا تصویب قوانین ضد حجاب و سخت‌گیری به زنان محجبه) جامعه را به سوی بی‌حجابی و برهنگی سوق دهند. اخراج دختران با حجاب از مدارس و دانشگاه‌ها یکی از این اقدامات است که در برخی کشورها مانند فرانسه صورت می‌پذیرد. آنچه می‌خوانید نامه دختر ۱۰ ساله‌ای به نام راضیه نادران است که به دلیل به سرداشتن روسری از تحصیل در مدرسه محروم شده است:

اولین سالی که ما به فرانسه آمدیم، من را برای این که روسری داشته‌م به مدرسه راه ندادند. من یک سال تمام در خانه ماندم و درس‌هایم را هم در خانه خواندم. در سال دوم بعد از بحث‌های زیاد بالاخره قبول کردند که من با حجاب به مدرسه بروم. در این سال همراه درس‌های فرانسوی به فراگیری درس‌های ایرانی در منزل ادامه دادم. اما امسال با اینکه معلم من پذیرفت که من با روسری در کلاس حاضر شوم، اما مدیر مدرسه شروع به سخت‌گیری درباره حجاب من کرد. او هر روز برای بابایم نامه می‌داد و از او می‌خواست که اجازه دهد من بی‌حجاب به مدرسه بروم. انگار که من حجابم را به زور پدرم به سر می‌کنم!

بالاخره در آخرین نامه نوشت: اگر راضیه روسریش را بر ندارد دیگر حق آمدن به مدرسه را ندارد.

او این نامه را صبح به من داد و بعد از ظهر وقتی برای آوردن کتاب‌ها و دفترهایم به مدرسه رفتم، دیدم مثل فرمانده پادگان با تعدادی از معلم‌ها جلوی در ایستاده بود و به خیال این که من می‌خواهم به کلاس بروم با عصبانیت و خشونت گفت: «نه! نه! راضیه نه! نه!»

من در آن موقع خیلی ناراحت شدم و بغض گلویم را گرفتم. ولی با این حال به او گفتم: برای بردن کیفم آمده‌ام. من از آن روز دیگر به مدرسه نمی‌روم و در



خانه درس‌هایم را ادامه می‌دهم، اما این برخورد بد و بی‌ادبانه مدیر را هرگز فراموش نمی‌کنم.

پس از آن خبرنگار تلویزیون فرانسه در مصاحبه‌ای از من پرسید: آیا باز هم می‌خواهی به حجاب ادامه دهی؟ گفتم: حجاب بر من واجب است. من از ۹ سالگی حجاب داشتم و تا آخر عمر هم خواهم داشتم. من بازی کردن با بچه‌ها و مدرسه رفتن را دوست دارم، ولی دینم و حجابم را از همه بیشتر دوست دارم و حاضرم در خانه تنها باشم ولی خدا از من راضی باشد.

به دخترهای مسلمان می‌گویم که از این سر و صداهای فرانسوی‌ها و سیاست‌های ضد اسلامی‌شان نترسند و به مبارزه خود ادامه دهند که حتماً پیروزی از آن ماست.

راضیه نادران ده ساله از کلرمون فرانسه

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ



مسئولیت همگانی

شهری را تصور کنید که مردم خوب و با ایمانی در آن زندگی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند به دستورات دینشان عمل کنند و راه درست زندگی را در پیش بگیرند.

پس از مدتی در این شهر گروهی پیدا می‌شوند که مرتکب کارهای زشت می‌شوند. آنها خیلی راحت در مقابل چشم‌های دیگران گناه می‌کنند و هنگامی هم که چشمشان به افراد با ایمان می‌افتد، آنها را مسخره می‌کنند. هیچ‌کس هم به رفتار زشت آنها اعتراضی نمی‌کند و همه با بی‌تفاوتی از کنار آنها می‌گذرند.

به نظر شما رفتار زشت آنها چه تأثیری بر دیگران خواهد گذاشت؟ و کودکان و نوجوانانی که رفتارهای این گناه‌کاران را مشاهده می‌کنند، چه چیزی از آنان خواهند آموخت؟
به نظر شما می‌توانیم کسانی که کارهای زشت را می‌بینند و راحت از کنار آنها می‌گذرند، درست‌کار بدانیم؟

ای کاش همه مردم راستگو و درستکار بودند و خودشان را از گناهان و کارهای زشت دور نگه می‌داشتند. اما واقعیت این است که همه آنها این‌گونه نیستند. از ابتدای آفرینش تاکنون، همواره عده‌ای دانسته یا نادانسته مرتکب کارهای زشت می‌شوند و به وظایف خود عمل نمی‌کنند.
به نظر شما وظیفه ما در چنین زمانی چیست؟



خداوند حکیم برای گسترش نیکی‌ها و جلوگیری از بدی‌ها، برنامه‌ کاملی به مسلمانان آموخته است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

شما بهترین امتی هستید
که برای مردم آفریده شده‌اید؛
[چرا که] امر به معروف
و نهی از منکر می‌کنید
و به خدا ایمان دارید.

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ^۱

امر به معروف یعنی دعوت دیگران به انجام وظایف دینی و نهی از منکر یعنی بازداشتن دیگران از زشتی‌ها و کارهای ناپسند.
امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام درباره این وظیفه مهم می‌فرماید:

همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مانند یک قطره در برابر دریایی پهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به خاطر انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به خاطر نهی نکردن از زشتی‌ها.^۲

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۷۴ و خطبه ۱۹۲.



با توجه به مطالب گفته شده جدول زیر را کامل کنید.

رویداد	انجام امر به معروف و نهی از منکر	ترک امر به معروف و نهی از منکر
دانش آموزی اموال عمومی مدرسه را خراب می کند.		
افرادی با پوشش نامناسب در جامعه ظاهر می شوند.		
فردی درباره دیگران بدگویی و غیبت می کند.		
در کلاس یک نفر حواس دیگران را پرت می کند.		
مغازه داری گران فروشی می کند.		
فردی نمازگزاران را مسخره می کند.		
.....		
.....		

شیوه های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می کنید؟
 حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار تان کشیف شده باشد، آیا باز هم می توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

در هر دو حالت هدف شما پاک کردن لباس است، اما روش ها متفاوت اند!
 در نهی از منکر هدف ما این است که انسان خطاکار به اشتباهش ادامه ندهد.

گاهی شخص خطا کار متوجه زستی رفتارش نیست، در این صورت ما باید با مهربانی او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند. گاهی نیز همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطا کار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است. در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم. البته باید توجه داشته باشیم که برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.

آیا به نظر شما با این شیوه‌ها همواره می‌توان از انجام گناهان جلوگیری کرد؟ مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟

پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست؟

ما برای اینکه کار خوبی را به دیگران یاد بدهیم و یا آنها را به انجام خوبی‌ها تشویق کنیم، می‌توانیم از شیوه‌های مختلفی استفاده کنیم. یکی از این شیوه‌ها - که بسیار ساده است - امر به معروف زبانی است. در این شیوه ما با صحبت کردن با دیگران، کارهای شایسته را به آنان یاد داده و آنان را به انجام نیکی‌ها تشویق می‌کنیم. اما شیوه دیگر امر به معروف که تأثیر بیشتری هم بر دیگران می‌گذارد، امر به معروف عملی است. ببینیم:

پیرمردی مشغول وضو گرفتن بود، اما شیوه صحیح این کار را بلد نبود. امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در آن هنگام کودکانی کم‌سن و سال بودند، وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. آنها باید او را از این اشتباه نجات می‌دادند، اما چگونه؟ اگر می‌خواستند با صراحت به او بگویند وضویت غلط است، حتماً دلش می‌شکست و ناراحت می‌شد. شاید به خاطر همین ناراحتی بر سر لجاجت می‌افتاد و حاضر نمی‌شد وضوی صحیح را فرا گیرد. آنها کمی فکر کردند و سپس؛

- ببین، وضوی من کامل تر است، خوب نگاه کن!...
- نخیر، وضوی من بهتر است...

آنها همین طور با صدای بلند - طوری که پیرمرد صدایشان را بشنود - با همدیگر صحبت می کردند و هر کدام وضوی خود را صحیح تر از دیگری می دانستند.

بعد سراغ پیرمرد رفتند و به او گفتند: ما وضو می گیریم، شما داوری کنید وضوی کدام یک از ما صحیح است؟
پیرمرد پذیرفت و آن دو بزرگوار هریک در برابر پیرمرد، وضویی کامل و صحیح گرفتند و سپس از او پرسیدند: وضوی کدام یک از ما صحیح بود؟
پیرمرد که تازه شیوه درست وضو گرفتن را آموخته بود، با مهربانی گفت: وضوی هر دوی شما صحیح است. این پیرمرد است که وضو گرفتن را تا حالا بلد نبود که او هم حالا این کار را از شما فراگرفت.^۱



- ۱- امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟
- ۲- از میان روش های نهی از منکر به سه شیوه اشاره کنید.
- ۳- مؤثرترین شیوه امر به معروف کدام شیوه است؟ مثالی بزنید.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الأمالی، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۳- الأمالی، شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، قم، چاپ کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- ۴- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- ۵- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، رجایی، غلامعلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- ۶- تحف العقول، حرانی، حسن بن شعبه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- ۷- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۸- جامع الأخبار، شعیری، تاج‌الدین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
- ۹- جامع الصغیر سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- ۱۰- خدای من، کلهر، فریبا، تهران، انتشارات مدرسه برهان، ۱۳۸۸.
- ۱۱- داستان راستان، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.
- ۱۲- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت مک‌گالفین شیتن، ترجمه ماشاءالله فرخنده، تهران، نواندیش، ۱۳۸۷.
- ۱۳- الصحیفة السجادیة، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- ۱۴- عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، باقی اصفهانی، محمدرضا، قم، انتشارات نصایح، ۱۳۷۹.
- ۱۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
- ۱۶- غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، عبدالواحدبن محمد تمیمی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۱۷- فقیه من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- ۱۸- الکافی، کلینی، محمدبن یعقوب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

- ۱۹- گام به گام تا انتخاب حجاب، مهدی اسماعیلی، قم، شهاب الدین، ۱۳۹۰ .
- ۲۰- مستدرک الوسائل، محدث نوری، حسین، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸.
- ۲۱- المستدرک علی الصحیصین، حاکم نیشابوری.
- ۲۲- مصباح الشریعه، منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، بی جا، چاپ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰.
- ۲۳- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۲۴- نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا.
- ۲۵- وسائل الشیعه، حر عاملی، محمدبن حسن، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دینی مربوطه و یا پیامکار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تایف کتاب؛ بونی